



نقد شورای پنجم چرا؟ واژه موضعی؟!

به شورای اهل‌ولایت این قدر گیر نمی‌دای! این پیام را یکی از اعضای اصلاح طلب شورای چهارم امشب بر ایم ارسال کرد. اشاره‌ی وی به یادداشت‌ها و مطالبی بود که اخیراً در خصوص عملکرد شورای شهر تهران توسط نشریه «پدیده شهر» چاپ می‌شود. بر آن شدم پاسخی که به‌وی‌دام با مخاطبانم در میان بگذارم. بخشی از استدلال‌های زیر را به ایشان عرضه کردم.

۱- در چهار سال گذشته و مخصوصاً در دو سال اخیر، با یک حرکت ابتکاری از تمام مناطق شهر تهران و بیش از ۶۰ محله محروم تهران بازدید کوچبه به کوچبه کرده و با شوراییاران آن مناطق و محلات گفت‌وگو در رو کرده و واقعیت و کیفیت زیست در این محلات را مطرح کردم به نحوی که یکی از معاونین شهردار سابق تهران گفته بود: «اصلاح طلبان منتظر می‌مانند تا «پلاسکو» بریزد تا بتوانند حرفی در خصوص عملکرد دالیلیاف برای گفتن داشته باشند، اما افلاکی (منظور حقیر و نامه «پدیده شهر») هر هفته راه افتاده و محله به محله عملکرد ده ساله دالیلیاف را به نقد کشیده است». از این رو، حجم مطالبی که در نقد کارنامه مدیریت شهری سابق تهران توسط مجموعه ما تولید شده در نوع خود قابل توجه است.

۲- به این دوست بسیار ارزشمنند و با شخصیت شورای چهارم گفتیم «باید هزینه اجتماعی کسانی که خودشان می‌دانستند در حوزه مدیریت شهری تجربه و تخصصی ندارند، اما پذیرفتند که در لیست اصلاح طلبان قرار بگیرند و وارد شورا شدند و همین طور دست اندر کاران بستن این لیست باید نقد در بالا برود که در جبهه اصلاح طلبی از این به بعد، احدی به خود اجازه ندهد اعتبار و سرمایه اجتماعی را ایگونه هزینه کند. در ادامه به ایشان گفتیم ببینید!

در شورای پنجم عضوی داریم که بعد از گذشت نه جلسه، حتی یک کلمه (باور کنید یک کلمه) در شورا حرف نزنده و موضوع گیری نکرده است، و تنها کار کرد این عضو محترم این است که زمانی آراء اعضا شورای ابرای عضویت در مجامع و کمیسیون‌ها خوانده می‌شود، ایشان توسط هیات رئیسه شورا فراخوانده می‌شود تا به عنوان ناظر شمارش آراء ابقای نقش کند! به نحوی که برخی خبرنگاران وی را با عضو قهرمان ورزشکار دوره قبل شورا مقایسه می‌کنند!

با عضو دیگری یکی از کارکردهایش در شورا این است که مراقب باشد زمانی اعضای می‌گویند «شورای شهر تهران، شمیرانات و ری» این عنوان را به صورت کامل برای شورا به کار ببرند و اگر کلمه «ری» گفته نشود ایشان تذکر می‌دهد.

با عضو دیگری صرفاً موضوع گیری سیاسی و یا تعدادی دیگری که کمترین مشارکت در بحث‌ها و موضوعات را دارند. البته این حقیقت را هم باید گفت که تعداد قابل توجهی از اعضا وقت زیادی به شورا اختصاص داده و کیفیت لازم را از خود نشان داده‌اند.

از جهت عملکرد کلی شورا هم، مجموعه طرح‌ها و لوایحی که در این ۸ جلسه ارائه کرده‌اند، مورد به مورد مطرح کردم و استدلال کردم که استراتژی و راهبرد مشخصی در خصوص مسائل شهر تهران تا به امروز از خود بروز نداده است. این در حالی است که مقدرات شهر تهران در ۴ سال آینده به نوعی تابعی از عملکرد این مجموعه است.

پاسخ این دوست فرهیخته موافقت کامل با این استدلال‌ها بود.

۳- شورای پنجم در مقام مقایسه با روز شروع به کار شورای دوم، از حیث کیفیت تجربه و تحصیلات اعضا در موقعیت برتری قرار دارد، اما نکته اساسی در این است که یک سرمایه رای میلیونی پشت این شورا قرار دارد. به نظر می‌رسد که لازمه حفاظت و صیانت از سرمایه اجتماعی که به این لیست دل بسته‌اند، نقد همه جانبه و تمام عیار و منصفانه اعضای شورا و شهردار منتخب آن می‌باشد.



«پدیده شهر» از محلات محروم منطقه ۱۲ شهرداری تهران گزارش می‌دهد:

کلاف سردرگم محلات محروم برای مسئولان!

از پسادارتر به شوش، هرنسندی و مناطق دیگری که احساس امنیت می‌کنند باز می‌گردند.

خلاصه کلام، مردم ساکن در منطقه ۱۲ که از شرایط فعلی در عذاب هستند، بازدیدهای دوره‌ای مسئولان از محلات را کار می‌یابند می‌دانند و می‌گویند که تمام مسئولان آنچه را که می‌خواستند بدانند، فهمیده‌اند و به مشکلات اشراف دارند به همین دلیل نباید وقت خود را بیهوده تلف کنند مشکل مترو که مانند محلات فرسوده، تجمع معاندان، زباله، ناامنی و هزاران هزار دشواری دیگر، از مشکلات مشابه و چندین ساله محلات محروم منطقه ۱۲ تهران است، مشکلی که آنها را زمین تا آسمان با محلات دیگر متمایز کرده است...

گاهی هم سر و کله افراد خیر پیدا می‌شود که غذا و لقمه‌های بسته بندی شده به معاندان می‌دهند و گاهی اوقات تعداد غذاهای نذری زیاد می‌شود که معاندان و افرادی به سرپرست می‌توانند مثل زمانیکه به رستوران رفته‌اند، غذای مورد علاقه خود را انتخاب کنند! خیرینی که اقدام به پخش غذا و لباس در این محلات می‌کنند حتی در باورشان هم نمی‌گنجد که ممکن است مردم ابرو داری هم در این محلات زندگی کنند...

اوضاع زندگی در این محدوده از تهران که با بازار مختلط شده است، مسالهای سال همین است، به جز فعالیت برخی از انجمن‌های مردمی و معتبر، هیچ پیشرفت محسوسی حاصل نشده است. سالی یک بار معاندان مطابق با طرح‌های ضربتی جمع‌آوری و به مراکز ترک اعتیاد سپرده می‌شوند، اما طوطی نمی‌کشد که دست

فسادزادی افشا شده و رد پای زنان بی‌سری‌پرست، بدسرپرست و کودکان بیگناه نیز پرنگ شود...

تا به امروز در مورد این مشکلات و معضلات زیاد اطلاع‌رسانی شده است؛ معضلات کف‌بازاری را همه می‌بینند، اما معضلات و فوابع زیرزمینی را بسیاری از مسئولان این محل اقدر ناچیز است که اگر بخواهند در عین واقعیت بودن به آنها نادیده می‌گیرند و برای رفع آنها بهانه تراشی کرده یا امروز و فردا می‌کنند...

اهالی منطقه از کافی بودن سرانه فضای سبز راضی هستند، اما اینکه تمام بوستان‌ها محل تردد، پاتوق و خلاف‌کاری معاندان شده است شکایت و تقاضای رسیدگی دارند... اصلاً می‌خواهند پارک با فضای سبزی نداشته باشند که در دسر ساز باشد. بوستان «خواجو»، «هرندی»، «حقانی» و ... از دیدگاه مردم آسودار محله، جای چیز جهنم نیست! که شب‌ها ناامن تر میشود. مواد خرید و فروش می‌شود، زنان و مردان معتاد شرط بندی می‌کنند، عریه می‌

این خانه‌های از ماهی‌تیران، با هم در میان خانه‌های بد شکل، فرسوده، پر از موش، پر رفت و آمد و بر جمعیت، دهان کجی می‌کنند... قدیمی‌ترین‌های منطقه ۱۲ که دیگر امید خود را به بهبود شرایط زندگی در محل دست داده و منتظر وقوع معجزه ای هستند، می‌گویند که قیمت ملک در این محل اقدر ناچیز است که اگر بخواهند در عین واقعیت بودن به آنها نادیده می‌گیرند و برای رفع آنها بهانه تراشی کرده یا امروز و فردا می‌کنند...

اهالی منطقه از کافی بودن سرانه فضای سبز راضی هستند، اما اینکه تمام بوستان‌ها محل تردد، پاتوق و خلاف‌کاری معاندان شده است شکایت و تقاضای رسیدگی دارند... اصلاً می‌خواهند پارک با فضای سبزی نداشته باشند که در دسر ساز باشد. بوستان «خواجو»، «هرندی»، «حقانی» و ... از دیدگاه مردم آسودار محله، جای چیز جهنم نیست! که شب‌ها ناامن تر میشود. مواد خرید و فروش می‌شود، زنان و مردان معتاد شرط بندی می‌کنند، عریه می‌

این خانه‌های از ماهی‌تیران، با هم در میان خانه‌های بد شکل، فرسوده، پر از موش، پر رفت و آمد و بر جمعیت، دهان کجی می‌کنند... قدیمی‌ترین‌های منطقه ۱۲ که دیگر امید خود را به بهبود شرایط زندگی در محل دست داده و منتظر وقوع معجزه ای هستند، می‌گویند که قیمت ملک در این محل اقدر ناچیز است که اگر بخواهند در عین واقعیت بودن به آنها نادیده می‌گیرند و برای رفع آنها بهانه تراشی کرده یا امروز و فردا می‌کنند...

اهالی منطقه از کافی بودن سرانه فضای سبز راضی هستند، اما اینکه تمام بوستان‌ها محل تردد، پاتوق و خلاف‌کاری معاندان شده است شکایت و تقاضای رسیدگی دارند... اصلاً می‌خواهند پارک با فضای سبزی نداشته باشند که در دسر ساز باشد. بوستان «خواجو»، «هرندی»، «حقانی» و ... از دیدگاه مردم آسودار محله، جای چیز جهنم نیست! که شب‌ها ناامن تر میشود. مواد خرید و فروش می‌شود، زنان و مردان معتاد شرط بندی می‌کنند، عریه می‌





محله سبزی



هفته نامه «پدیده شهر» مشکلات محله سیروس را بررسی می کند:

طرح شکست خورده!

رفاه انگشت شمار در «سیروس»!

معاشرت، تنگ، محل زندگی چهار پانچ خانوار با جمعیت بالا شده است. اهالی اعتراض دارند که مردم خانه های خود را وقف کرده اند تا یک نذری بدهند و یک بچه یتیمی را سرپرستی کنند، با یک مکان آموزشی ساخته شود، اما مناسبانه خانه های وقتی هم رها و محل تجمع معتادان شده است.

شمار شده است. هیچ خبری از اهالی قدیمی و سنتی نیست. اهالی محل می گویند که ۷۰ درصد محله سیروس را کارگاه های تولید کیف و کفش و ابزارهای فرش تشکیل می دهند و خانه هایی که خانواده در آن زندگی می کنند هم در حال تخریب است. ناچشم کار می کند خانه های فرسوده ای به چشم می خورد که در

از محله های قدیمی و سرشناس مثل تکیه حمام خانم، حمام قیله، کوچه مهدی قصاب، کوچه صدتومنی ها و تکیه ملاقدیر سرافی نمی گیرند. در لایه میانی محله «سیروس»، جایی که قرار بود سکنه آن خانواده ها باشند در همان کوچه پس کوچه های باریک و خانه های فرسوده زندگی و رفاه انگشت

کردند. آندسته از خانواده های یاقیمانده قدیمی هم که ماندند، یا توان مالی برای مهاجرت و تامین مسکن نداشتند و یا احساس تعلق خاطر زیادی به محله قدیمی زندگیشان داشتند. حالا افرادی که در تهران یا شهرهای دیگر که گذران به محله «سیروس» می افتد سرافی

محله «بازار» محله دارالمومنین و مذهبی نشین بوده و قدمتی تاریخی دارد. حوزه علمیه حاج آقا مجتهدی، حاج آقا جاویدان، حاج آقا حسناس و مساجد زیادی در این محل وجود دارد. اما با این حال بسیاری از خانواده های اصیل و قدیمی به دلیل مشکلات فراوان و مشکلات اجتماعی در این محل مهاجرت

«سیروس» یا همان محله «بازار»، تنها شب ها نفس می کشد و روزها از نفس می افتد. نبض فعالیت در این محله تنها به خاطر مغازه و بازار است که می تپد. به گفته ساکنان قدیمی این محله، «سیروس» متعلق به افرادی بی هویتی شده است که شب ها فراوان بر فرار ترجیح می دهند و اصلا در این محل زندگی نمی کنند.



باخت فرسوده مردم را فراری داد!

گویا مشکلات ناشی از فرسوده بودن این محل باعث شده است تا حداقل های مورد نیاز برای رفاه و زندگی نادیده گرفته شود. برای نمونه واقعیت تلخی است که در بسیاری از این خانه ها حمام یا سرویس بهداشتی استاندارد در داخل خانه ها هم وجود ندارد و تنها از یک دوش تعبیه شده در حیاط یا انباری ها برای حمام استفاده می شود. درب ورودی یک خانه که اتفاقی باز می شود، بچه ها با سرو صدای

که قلب یک کشور است تامین می شود. اما هنوز اقدام جدی و روبه رشدی برای حل معضلات مربوط به باخت فرسوده در این محل اندیشیده نشده است؛ در تمام نشست های برگزار شده با متولیان مثل شهرداری یا حتی وزارت مسکن نیز تمام این معضلات اشاره و بررسی شده است. اما

کردند و رفتند و حتی دنبال حقیقتان نیامدند. وی با اظهار تاسف از نادیده گرفتن معضل باخت فرسوده در محله «سیروس» می افزاید: تمام جمعیت ایران به نوعی با محدوده «سیروس» در ارتباط هستند، رفت و آمد از تمام شهرها به این محدوده صورت گرفته و درآمد ایران از بازار

و شهرسازی با عنوان «کلید به کلید» با طرح های تشویقی دیگر تا تمام ماند و شکست خورد. در حالیکه در ابتدا امید زیادی به موفقیت این طرح داشتیم. خانه های زیادی در این طرح در محاصره دولت درآمد و صاحب خانه ها هم که خود را با دولت طرف حساب دیدند، خانه ها را

«سیروس» یکی دیگر از مشکلات اصلی است؛ مردم ساکن در محله قدرت حرکت، اصلاح یا بازسازی خانه های خود را ندارند و مثلاً یک ماشین حمل مصالح قدرت حرکت در این معابر باریک را ندارد، تمام این مشکلات باعث فرار مردم بومی محله شد. حتی طرح وزارت مسکن

«حسین رسنگار» دبیر شورایاری محله «بازار» می گوید: «تا به امروز، در محله «بازار» هیچ معبری اصلاح یا تعریض نشده است. در واقع درصد زیادی از جمعیت ۱۸ هزار نفری بومی، از محل فرار کردند و جمعیت فعلی، غریبه و رهگذر هستند؛ باریک بودن گذرگاه های محله

خانه های بدون حمام و دستشویی!

مخدر را تکسار می کنند! زنان زیادی در این محله صورت تشران را با سبیلی سرخ نگاه داشته اند. مریم زن جوانی که روزها به مناطق شمال تهران می آید و در خانه های مردم کار می کند می گوید: بارها همسرم به ضرب کتک، از من خواسته تا وقتی مواد مخدر مصرف می کند کنارش بنشینم و مواد مصرف کنم، اوایل اجبارم نمی کرد، اما حالا که زورش نمی رسد، کتک می زند، وقتی دختر و پسرم روزها مدرسه

یک تورا می هم دارم که سه ماه دیگر به دنیا می آید. در ساختمان ما، سه خانواده دیگر زندگی می کنند و در دست مثل سازه حداقل امکانات برخوردار نیستند. جای مناسبی برای حمام نداریم و تازه زمستان ساختن حمام کنیم و شود چون نمی توانیم در حیاط حمام کنیم و ناچار هستیم به حمام عمومی محل برویم که البته هزینه مان برای هر هفته زیاد می شود به همین خاطر بچه ها شاید ماهی یک بار حمام

زیادی در حال دعوا یا بازی هستند، مادرها در کف زمین در حال شستشوی لباس هستند و هر از گاهی به بهانه شیطنت بچه ها داد و هوار راه می اندازند. بچه های قد و نیم قد جای بازی ندارند و پارک محل برای بازی شان امن نیست، مادر یکی از بچه ها می گوید: «از جای بازی بچه ها می پرسید؟ بچه ها جای خواب ندارند، چه برسد به جای بازی. خودم سه پسر دارم و یک دختر.

فرسوده بودن خانه ها در محله «سیروس» باعث شده است تا حداقل های مورد نیاز برای رفاه و زندگی نادیده گرفته شود. برای نمونه واقعیت تلخی است که در بسیاری از این خانه ها حمام یا سرویس بهداشتی استاندارد در داخل خانه ها هم وجود ندارد و تنها از یک دوش تعبیه شده در حیاط یا انباری ها برای حمام استفاده می شود. درب ورودی یک خانه که اتفاقی باز می شود، بچه ها با سرو صدای

در عین حال، الهام مرادیان مسئول خانه سلامت محله «بازار» به «پدیده شهر» می گوید: «تنها خانه سلامت محل، اقداماتی برای بهبود برخی از آسیب ها انجام داده و برنامه هایی دارد؛ اما مشکلات بسیار بیشتری از حد پیش بینی است؛ هدف خانه سلامت بیشتر پیشگیری است تا بحث درمان. خانواده ها در این محل، به دو بخش آسیب دیده و آسیب پذیر تقسیم شده اند. در بحث سنجش عدالت، اولویت نخست زنان

خوبی به متقاضیانی که بخواهند کار خیاطی یا هنرهای دیگر را آموزش ببینند، ارابه می شود. آموزش رایگان کار با چرخ خیاطی توسط مربی یکی از بهترین و موثرترین اقدامات است. حتی برای خرید چرخ نیز کمک هزینه پرداخت می شود. تولیدی های بزرگ می در بازار، از هنر دست این زنان استفاده کرده و در برابر گرفتن هر سفارش، هزینه دستمزد پرداخت می کنند. خوشبختانه تعامل برخی از خانواده ها با سرافی

زنان و دختران معتاد، پنهان در خانه ها!

کریم و حتی با زنان معتاد زیادی صحبت کرده ایم و آنها را برای ترک به کمک هاراجاد داده ایم اما معضل اعتیاد در این محله بسیار ریشه ای بوده و به اقدامات اساسی نیاز دارد. وی با اشاره به مشکل فقر در میان تعداد زیادی از خانواده ها ادامه می دهد: «کارآفرینی در سرافی محله برای خانواده های بی سرپرست و بد سرپرست که در معرض گرایش به مواد مخدر هستند به صورت جدی دنبال شده است. به عنوان مثال خدمات

خوشبختانه طی یک سال گذشته، در سرافی محله محیطی امن، قابل اعتماد و صمیمی ایجاد شده تا خانواده ها مشکلات خود را مطرح و از مشاوره و روانشناسی بهره مند شوند.» معضل اعتیاد می گوید: «یکی از مشکلات مهم و اصلی، مربوط به معتادان محله است. اگر چه با همکاری شهرداری، نیروی انتظامی و هیئت امنای محله، خانه های زیادی را شناسایی

سرپرست هستند و اولویت بعدی بهداشت و بحران امنیت محله است. برای زنان سرپرست خانوار فراخوانی دادیم و حدود ۲۵ خانواده در طرح های مفید ثبت نام کردند؛ این خانواده ها عمدتاً با دو مشکل معاد بودن همسران یا فرزندانشان درگیر هستند و علت فقر مادی و فرهنگی نمی دانند که باید چه کنند، به همین دلیل سالهای سال بسیاری از دردهای خود را پنهان یا به گفته خودشان آبرو داری کردند. اما

در عین حال، الهام مرادیان مسئول خانه سلامت محله «بازار» به «پدیده شهر» می گوید: «تنها خانه سلامت محل، اقداماتی برای بهبود برخی از آسیب ها انجام داده و برنامه هایی دارد؛ اما مشکلات بسیار بیشتری از حد پیش بینی است؛ هدف خانه سلامت بیشتر پیشگیری است تا بحث درمان. خانواده ها در این محل، به دو بخش آسیب دیده و آسیب پذیر تقسیم شده اند. در بحث سنجش عدالت، اولویت نخست زنان

در عین حال، الهام مرادیان مسئول خانه سلامت محله «بازار» به «پدیده شهر» می گوید: «تنها خانه سلامت محل، اقداماتی برای بهبود برخی از آسیب ها انجام داده و برنامه هایی دارد؛ اما مشکلات بسیار بیشتری از حد پیش بینی است؛ هدف خانه سلامت بیشتر پیشگیری است تا بحث درمان. خانواده ها در این محل، به دو بخش آسیب دیده و آسیب پذیر تقسیم شده اند. در بحث سنجش عدالت، اولویت نخست زنان

در عین حال، الهام مرادیان مسئول خانه سلامت محله «بازار» به «پدیده شهر» می گوید: «تنها خانه سلامت محل، اقداماتی برای بهبود برخی از آسیب ها انجام داده و برنامه هایی دارد؛ اما مشکلات بسیار بیشتری از حد پیش بینی است؛ هدف خانه سلامت بیشتر پیشگیری است تا بحث درمان. خانواده ها در این محل، به دو بخش آسیب دیده و آسیب پذیر تقسیم شده اند. در بحث سنجش عدالت، اولویت نخست زنان

کارگاه های تولیدی در زیر زمین خانه ها

تمام جمعیت ایران به نوعی با محدوده «سیروس» در ارتباط هستند. رفت و آمد از تمام شهرها به این محدوده صورت گرفته و درآمد ایران از بازار که قلب یک کشور است تا این می شود اما هنوز اقدام جدی و رویه روشدی برای حل مشکلات مربوط به بافت فرسوده در این محل اندیشیده نشده است. در تمام نشست های برگزار شده با متولیان مثل شهرداری یا حتی وزارت مسکن نیز تمام این معضلات اشاره و بررسی شده است. اما گویا مشکلات ناشی از فرسوده بودن این محل از دغدغه های پیش روی مسئولان نیست. در حالیکه قول و قرار وعده های زیادی برای دادن طرح های تشریفی به اهالی داده می شود. طرح های که هیچ انگیزه ای برای ساکنان ایجاد نکرده و صرفه ای ندارد

حالی که صبح زود، ماشین های بزرگ حمل کالای قاچاق با سرو صدای زیاد و صدای بویغ وارد محله می شود و پارها را تخلیه می کند؛ کارگران چرخ بازی هم از حوالی ظهر، برای تحویل کالای قاچاقی به انبارها می آیند، با این حال برای احداث یک تیر بهر این همه بهانه آورده می شود در حالیکه پوست اهالی از مشکلات بسیار کلفت شده است، در واقع در محله ماشین سواری دیده نمی شود و تنها ماشین های سنگین، وانت بار، موتور سیکلت و... به چشم می خورد.

و ورود و خروج معترضان زن و مرد به این خانه ها دیده اند و نگران رفت و آمد فرزندانشان هستند. وی با اعلام اینکه با آقایان شهرداری از منطقه و ناحیه جلسه گذاشتیم و همه این موارد را توضیح داده ایم ولی ما یک تره بار نداریم تا تیر بهری که جزء واجبات یک محله است! خیلی جالب است که می گویند اگر ماشین داخل کوچه ها هایتان شود صدای تخلیه بار، مردم و ساکنان را اذیت می کند، در

استاندارد میگوید: با وجود نداشتن خانه سلامت، بزرگراه، امکانات رفاهی و... اما محله از مشکلات کمتری رنج می برد اما حالا، با ورود سراجی ها به محل، تعدادشان هر روز بیشتر می شود. خانه های زیادی تبدیل به انبار فرسوده شده است. خانواده های زیادی از سرو صدای تخلیه فرسوده ها به ستوه آمده اند. در کنار تمام این معضلات، نظارتی بر این خانه ها صورت نمی گیرد و مشخص نیست که داخل این خانه های انبار شده چه اتفاقی در حال رخ دادن است، اهالی محل صحنه های ناخوشایندی از

کاره ها کودک افغانی است که شب ها همانجا می خوابند و از تحصیل هم محروم شده اند. سراجی های متعددی در خانه های محله «سیروس» وجود دارد. ماشین ها و وانت های حمل پارچه، چسب، نایلون و... هر روز با شیب، آرامش را از اهالی محل سلب کرده است؛ حتی در بسیاری از انبارها تینر و مواد نفتی ذخیره شده است که با یک آتش سوزی فاجعه به بار می آورد... «فهمیه رستگار» مدیر محله بازار با انتقاد از تغییر غیر مجاز کاربری منازل مسکونی و تبدیل آنها به انبارهای غیر

آنچه که در محله «سیروس» اهالی را به ستوه رسانده است، مجاورت و نزدیکی شان با محدوده بازار است. این موضوع باعث شده است که بسیاری از خانه های فرسوده تبدیل به خانه های کار شده و سرو صدای زیادی تولید شود. بوی چسب تا چند خانه اطراف تر می رسد، خانه دیگری تولید لباس زنانه است و زنان زیادی در آنجا پای چرخ نشسته اند. صدای بلند چرخ خیاطی سفوفنی نا موزونی را به کوچه خیاطی رسانده است. خانه دیگری محل

مسئولان چشمشان را به روی «سیروس» بسته اند!

بسیاری از خانه های فرسوده تبدیل به خانه های کار شده و سرو صدای زیادی تولید می شود. خانه ای به تولیدی کفش تبدیل شده بوی چسب تا چند خانه اطراف تر می رسد. خانه دیگری تولیدی لباس زنانه است و زنان زیادی در آنجا پای چرخ نشسته اند. صدای بلند چرخ خیاطی سفوفنی نا موزونی را به کوچه راه انداخته است. خانه دیگری محل کار ده ها کودک افغانی است که شب ها همانجا می خوابند و از تحصیل هم محروم شده اند. سراجی های متعددی در خانه های محله «سیروس» وجود دارد. ماشین ها و وانت های حمل پارچه، چسب، نایلون و... هر روز با شیب، آرامش را از اهالی محل سلب کرده است؛ حتی در بسیاری از انبارها تینر و مواد نفتی ذخیره شده است که با یک آتش سوزی فاجعه به بار می آورد...

و مشکلات فراوان کرد این زمین ها به یک کنسار، زمینهای اوقافی مردم که برای کارهای خیر وقف شده بود هم در سطح محله رها شده و تبدیل به خانه های تیمی افغانی ها شده است؛ از جمعیت ۱۲ هزار نفری در سیروس تنها ۵ هزار جمعیت مانده که در مرد زبانی از آنها غیر بومی یا افغانی هستند. دولت اقدام به جز خریدن زمین های مردم و رها سازی آنها به امید خدا، کار خاصی برای حل مشکلات نکرده است و طرح های نوسازی بافت فرسوده هم عملاً با شکست روبه رو شد. کاش اعضای جدید شورای شهر تهران و شهردار، تکلیف این زمین ها را روشن کرده و کمی فوری و اورژانسی تر به این مشکلات رسیدگی کنند، مشکلات محله ما بسیار ریشه ای شده و هر روز که می گذرد، چاره اندیشی دشوار تر شده است!

اقرار نیست، در صورتی که این اعتبار به خاطر بحرانی بودن محله، باید چند برابر باشد، ولی در حد معمول هم نبوده است. با این حال امیدوار هستیم تا در طرح جهادی مربوط به ارتقای کیفیت زندگی، شاهد تغییراتی باشیم. قدیر علی آب پیکران عضو شورایاری محله نیز در گفت و گو با «پدیده شهر» با انتقاد از رها شدن زمین ها توسط ارگان های دولتی، از شهردار جدید تهران در خواست کرد تا وضعیت این زمین ها هر چه سریعتر روشن شود. وی می گوید: «متأسفانه بنیاد مسکن با هدف نوسازی بافت های فرسوده حدود ۳ هزار هکتار از زمین های اهالی را خریداری کرد تا سرو سامانی به محل دهد، اما با رها کردن این زمین ها، مردم را از محل فراری داد و خانه ها را محل تجمع اراذل و اوپاش، معترضان

«سیروس» و خطر آتش سوزی در این محله با خیابان و کوچه های کم عرض تصریح می کند: «باریک بودن معابر قدرت مانور و ورود خودرو رو های آتش نشانی به محل وقوع حوادث را مختل می کند. حتی پیش بینی شده است که با وقوع حوادثی مثل زلزله یا آتش سوزی، محله بازار خسارت شدیدی می بیند و ممکن است با خاک یکسان شود؛ با تمام این تهدید ها، بحث ضرورت گشایش معابر، بارها از اولویت های محله بوده و در مورد این ضرورت در تمام جلسات تاکید شده است و مسئولان نیز در این زمینه اشراف دارند، اما با آمار می توان ثابت کرد که در طول ۴ سال گذشته شاید به اندازه بودجه املاک هم در اینجا گشایش معبر صورت گرفته است! حتی اگر در طول ۵ سال گذشته هم بنویسید،

این شورا یا خطاب به اعضای جدید شورای شهر تهران ادامه می دهد: «هیچ کس نمی تواند انکار کند که محله به طور واقعی از نظر بحرانی بودن و آسیب های پیش رو، در شرایط ویژه ای قرار دارد؛ در حال حاضر انتظار ما به عنوان نماینده مردم این است که برای خروج محله «سیروس» از بحران، مصوبه های شورای شهر تهران در بخش قانون گذاری، برای این محله نگاه ویژه ای داشته باشد و در بحث مدیریت شهری انتظار داریم که بودجه هایی که اختصاص داده می شود و تیمی که به منطقه می آید، از نظر اجرایی تفاوتی با مناطق و محله های دیگر نداشته باشد. در غیر این صورت آسیب های فعلی، روز به روز بیشتر خواهد شد.» نائب دبیر شورایاری محله بازار با اشاره به ضرورت تعریض معابر در محله

«سید رضاستگار» نائب دبیر شورایاری محله بازار: «نیز با انتقاد از حادثه خیز بودن محدوده بازار و بسی اهمیت بودن مسئولان نسبت به این موضوع نیز می گویند: «بارها هشدار داده شده است که اگر زلزله یا هر حادثه دیگری مثل آتش سوزی در محدوده این محله رخ دهد، جان بسیاری از مردم بی گناه به خطر می افتد و خسارت مالی زیادی به انبارها و سرمایه مغازه داران وارد می شود؛ این در حالی است که برای مواقع بحران و حادثه تدریجی اندیشیده نشده است؛ در کنار این معضل، مخروبه و رها شدن منازل، خانه ها را برای ورود اراذل و اوپاش به محل امنی تبدیل کرده و بسیاری از خانه ها تبدیل به زباله دانی و تجمع موش یا حیوانات دیگر شده اند که سلامت اهالی محله را تهدید خواهد کرد.»



قطار شورویاری در ایستگاه پنجم

سیر پیشرفت های علمی و اجتماعی بشر در قرن بیست و یکم به فراگیری دامنه ارتباطات در سطح جهان رسیده و نظریه دهکده جهانی مارشال مک لوهان تحقق عینی یافته است.

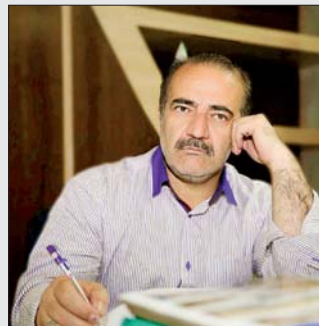
تعبیر جهان سوم در حال توسعه و پیشرفته آنگذر بکار برده شده که تقریباً برای همه ملموس و روشن تلقی می شود. در یک نگاه کلی تفاوت های جهان سوم و جهان پیشرفته در چند آیتن قابل مشاهده می باشد. بنده در اینجا فقط به یک مورد از آن تفاوت ها اشاره می کنم.

«سطح و کیفیت روابط اجتماعی و روابط قدرت و مشارکت های مردم در ادار امور شهر و پایبندی به اصول و اجرای قوانین به نحوه معناداری با جهان سوم و در حال توسعه فاصله دارد.»

در کشور ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این مهم با گنجانیدن اصل شوراهای در قانون اساسی ایجاب قانون بر تن کرد و نقش مردم در حکومت بسیار پررنگ شد.

در این بین شوراهای اسلامی شهر و روستا تا حدی دچار بی مهری شدند و با تاخیر ۱۹ سال با عرصه وجود گذاشتند. در تهران به لحاظ شرایط خاصی که دارد تشکیل شورای شهر اتفاق دیگری هم رخ داد و آن شکل گیری شورویاری ها بود تا بتواند جای خالی شورای محل را پر کند.

عبارتی شورای شهر تهران در ک درستی از مشکلات شهر و شیوه حل آنها بدست آورده بود. چرا که در جهان امروز با یون با حاکم است که «گریزی از مشارکت واقعی شهروندان در اداره امور شهر نیست اما در کشور ما این واقعیت حاکم است که گریزی از مشارکت واقعی شهروندان در اداره امور شهر نیست ولی هم مردم و هم مسئولین ناخاطر سابقه فرهنگی و تاریخی شدت مشارکت گریزی هستند»



در سال ۱۳۷۸ قطار شورویاری ها با شعار جلب مشارکت واقعی شهروندان در اداره امور شهر تهران از ایستگاه اول حرکت درآمد ولی در وسط راه دچار نقصی فنی شدند این اتفاق موجب شد تا در ایستگاه دوم تمام پانزده خدمه قطار پیاده شوند و پانزده عضو جدید سکان هدایت قطار را بر عهده بگیرند و این سفر ادامه داشت تا قطار به ایستگاه سوم رسید. ولی باز هم بدلیل انتقاداتی که وجود داشت عده ای از آن پیاده تعدادی دیگر به قافله اضافه شدند.

تا اینجا تا رسیدن به ایستگاه چهارم مردم و شورویاری ها در کانون توجه بودند و به همین خاطر شهروندان و شهر از برکت قطار توسعه اجتماعی بهره مند می شدند. اما با طولانی شدن مدت حرکت قطار از ۴ سال به ۶ سال و اتفاقات سیاسی که در کشور رخ داد، کم کم می شده ریل قطار از زمین سیاست و قدرت عبور کند و مردم فقط به تماشای قطار بپردازند و از دیدن آن لذت ببرند.

در ایستگاه چهارم گفته شد ۱۵ نفر برای هدایت چنین قطاری کم است و لذا تعداد خدمه قطار به ۳۱ نفر افزایش یافت و هر دو گروه سیاسی که در کشور ما به مشق سیاست مشغول هستند نمایندگان خود را اسوار قطار نمودند و بارقه های امید دوباره به دل مردم روشن شد. اما چهار سال فاصله تا ایستگاه پنجم به سرعت هرچه تمام می شده و سهم شورویاری ها در این دوره از به رسمیت شناخته شدن و ایفای نقش نمایندگی مردم کم رنگ تر شد و سیاست بر این قرار گرفت که شورویاری در سرای محله محبوس شود تا خاطر مدیران شهری از بابت ایشا راحت باشد.

سر انجام قطار شورویاری ها هر سه سخته بود در سال ۹۶ به ایستگاه پنجم رسید. این دفعه تعداد خدمه قطار به ۲۶ نفر کاهش یافت و گفته شد با این تعداد می شود قطار را هدایت کرد. با این تفاوت که تمامی ۲۱ نفر جدید از یک نخله فکری انتخاب شدند، همان نخله ای که در سال ۷۸ پرچم شورویاری و مشارکت دمی مردم در اداره امور شهر تهران را بر افراشته بود و قطار توسعه اجتماعی را به حرکت در آورده بود.

اما ۲ سال است که قطار در ایستگاه شورویاری متوقف مانده و هنوز حرکت جدید خود را آغاز نکرده و ما از این موضوع نگران هستیم. ظاهراً مشکل بر سر انتخاب رئیس جدید ستاد شورویاری است که قرار بود در اولین جلسه ستاد شورویاری ها انجام شود ولی بنابر دلالی معطل مانده است.

افتتاح خط ۶متر و همزمان با نوروز

در یازدهم دی ماه از خط ششم متروی تهران مطرح شد.



عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران از راه یافتن پروژه خط ۶متر و به فیثال مسابقه جایزه انجمن بین المللی تونل خبر داد. به گزارش ایسنا، مجید فرحانی صبح امروز در حاشیه بازدید از خط ۶متر و بیان اینکه توسعه حمل و نقل عمومی تنها راه برطرف شدن مشکل ترافیک و آلودگی هوا است، گفت: خط ۶متر و یکی از طولانی ترین خطوط متروی تهران شامل ۲۲ کیلومتر تونل و ۲۷ ایستگاه است و اگرچه توسعه مترو هزینه بر است اما از آنجایی که پاک تر نوع حمل و نقل عمومی محسوب می شود، باید در راستای توسعه آن گام برداشت.

وی با بیان اینکه این خط مترو از حرم عبدالعظیم حسنی تا سولقان است، گفت: بر اساس گفته مسئولان خط ۶ این خط

تا پایان سال ۹۶ یا ۱۰ ایستگاه به بهره برداری می رسد و مابقی آن تا پایان سال ۹۷ به اتمام می رسد و امیدواریم نوروز امسال را با افتتاح خط ۶ جشن بگیریم. فرحانی به خرید واگن و تامین تجهیزات در خط ۶ اشاره کرد و گفت: اگرچه در سایر خطوط نیز، کمبود واگن داریم و حتی سرفاصله حرکت قطارها در برخی خطوط به ۱۷ الی ۱۵ دقیقه هم می رسد این در حالیست که استاندارد جهانی ۲ تا ۳ دقیقه است که امیدواریم دولت در این بخش همراهی های لازم را داشته باشد چرا که بر اساس قانون ۵۰ درصد هزینه توسعه خطوط مترو و خرید واگن بر عهده دولت است و امیدواریم دولت به تعهدات خود عمل کند. چرا که متأسفانه تا به امروز دولت به تعهدات خود عمل نکرده و

امیدواریم دولت اهمیت به توسعه حمل و نقل عمومی به ویژه مترو را در دستور کار قرار دهد. وی افزود: خط ۶ مترو به دلیل آنکه از یک منطقه تاریخی عبور می کند، در رونق گردشگری شهری در منطقه ری موثر است و قرار است این خط به خط یک مترو وصل شود و به شکل رنگ برای نخستین بار مورد استفاده قرار گیرد. عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران در خاتمه با بیان اینکه باید اعلام کنم که خوشبختانه خط ۶متر و جزو چهار اثر برتر جایزه انجمن بین المللی تونل (ITA) قرار گرفته است، گفت: امیدواریم خط ۶متر و جزو سه اصل برتر در دنیا انتخاب شود هر چند که راه یافتن به فیثال این مسابقه بین المللی باعث افتخار به همه مردم مسئولان است.

در جوابیه حسن خلیل آبادی به انتقادات هفته نامه «پدیده شهر» مطرح شد:

علت حضور در شورادفاع از حقوق جنوبی ترین منطقه تهران (ری) است

باسلام و سپاس از زحمات حضرت تعالی که در نقد عملکرد دشواری پنجم شهر تهران بری و تجزیه عملی می آوردید. نقد متصفانه و مستحقانه برای ما که به قول جناب عالی یک سبز ماه اجتماعی عظیمی پشت سر ما هست بسیار لازم و ضروری هست و همیشه از انتقادات و نظرات شما که برای ما سال می فرمایید استفاده می کنم. دوست عزیز؛ عملکرد ادا فقط در صحن، نگاه جمعی نیست و نمی تواند ارزیابی دقیقی از فعالیت اعضا شورویاری باشد

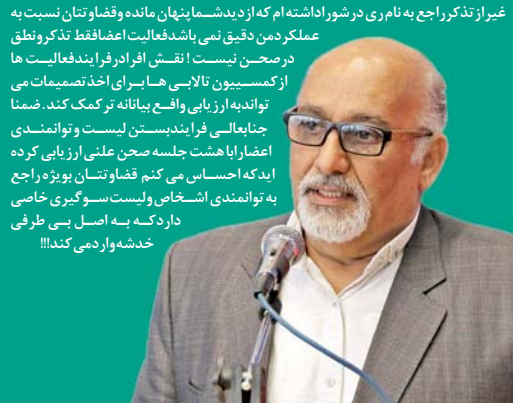
معمولاً ارزیابی عملکرد یک فرد یا مجموعه باید از همه جوره عملکردی باشد خود شما خوب می دانید سخن شورویاری را چه به مسایلی است که به هر حله تصمیم گیری رسیده و نتیجه فرایندهایی هست که در کمیسیون ها و لایه های عالی شده است.

اینکه من راجع به ناهری در ادامه اسم شوروا حساس هستم بدلیل ذکر قانونی و در دست شوراهست که وزارت کشور و استانداردی و مصوبه مجلس تأکید داشته تا اینها خاستگاه اجتماعی ام و بخشی از علت حضورم در لیست شورویاری بودم در آن شهر هست که متولد و ساکن اینجاستم و تنها عضو ساکن جنوبی ترین منطقه هستم و برای هویت مغفول یک شهر با تاریخ ۷ هزار ساله که تهران از دهات آن بوده است دفاع می کنم.

فکر می کنم مناطق جنوبی تهران بویژه ری در فرایند فعالیت های شهر داری و شورویاری ۴ دهه گذشته مغفول بوده است. که حتما در محله کردهای خود اثری ایلمدس کرده باشید و من از یک نام دفاع نمی کنم از یک هویت و در ضمن بی توجهی دفاع می کنم و فکر کنم از خیلی تذکرات و نطق حاضر و برتری داشته باشد.

ضمناً ما هشتمین جلسه را پشت سر گذاشته ایم ارزیابی دقیقی از عملکرد اعضا نامی توانیم داشته باشیم. ضمناً من در این کمال شخصی خود را بر اینان ارسال می کنم که در جریان فعالیت های روزانه من بعنوان یک عضو شورویاری دیگر بدوالبته مطالب دیگری غیر از تذکرات راجع به ناهری در شوروا داشته ام که از بد شما پنهان مانده و قضایا نتان نسبت به عملکرد من دقیق نمی باشد فعالیت اعضا فقط تذکر و نطق در صحن نیست

انقش افراد در فرایند فعالیت ها از کمیسیون تا لایه های برای اخذ تصمیمات می تواننده ارزیابی واقع بینانه تر کم کند. ضمناً جناب عالی برای فرایند لیست و توانمندی اعضا را با هشت جلسه صحن علنی ارزیابی کرده اید که احساس می کنم قضاوتتان بویژه راجع به توانمندی اشخاص و لیست سوسو گیری خاصی دارد که به اصل بی طرفی خدشه وارد می کند!!!!



وقت کشی با گزارش سوخته پلاسکو

شورای بعد از تعطیلات هم تعطیل بود

تعطیلی یک هفته ای، این ذهنیت را تقویت کرده بود که احتمالاً شورای تهران با دستور جلسه ای جدی تر و اثر گذارتر، جلسه هشتم را آغاز خواهد کرد. مرور دقیق تر آنچه در این جلسه گذشت، پاسخ تخمین زنی بالا را روشن خواهد کرد.

۱. طبق معمول هر جلسه تذکراتی توسط برخی اعضا ارائه شد. ۱-۱) تذکر یک عضو شورویاری و درخواست عزل شهردار منطقه ۱۸

۲-۱) تذکر عضو دیگر شورا (عضوی که معمولاً ۱-۱) تذکر یک عضو شورویاری و تقاضای جلسه شورویاری مقامات

۳-۱) تذکر یک عضو در خصوص هولوگرام های صادره می مربوط به سنوات گذشته و درخواست دریافت اطلاعات کامل مربوط به آنها

۴-۱) تذکر یک عضو در خصوص فضاهای بی دفاع شهری و مساله امنیت شهروندان همانگونه که ملاحظه می شود «مورد اول» و دوم «چندان قابل ارزیابی نبوده، مورد سوم نیز به نوعی تکرار «بند دوم بخشنامه شهردار تهران در خصوص هولوگرام ها» بود. تنها «بند چهارم» امی توان به نوعی مربوط به اولویت ها و مسائل جدی شهر عنوان کرد. (این بخش، یعنی تذکرات اعضا حدود ۴۰ دقیقه از زمان جلسه شورویاری گرفت.

۲. نطق پیش از دستور یکی از اعضا، که عمدتاً نقدی قابل توجه به طرح «جمع آوری کودکان کار» از سطح معابر و خیابان ها» بود، جزء موضوعاتی بود که می توان، در مقام مقایسه با نطق هایی که تا به امروز در شورای پنجم ایراد شد، و همین طور به دلیل برداشتن و تمرکز به مشکل لایه های محروم جامعه، ارزیابی مثبتی از آن به دست داد.

۳. ظاهراً به دلیل اینکه شهرداری لایحه ای به شورویاری در این مدت ارسال نکرده (۱) و نداشتن

«طرح های یک و دو فوریتی اولویت دار» توسط شورویاری، «گزارش هیئت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو» در دستور کار شورویاری گرفت. این گزارش ۲۳ زمان جلسه ی شورا را به خود اختصاص داد.

۳-۱) موضوعاتی که در این گزارش ارائه شد، تکرار آنچه بود که در ماه های اخیر به کرات در رسانه ها و شورویاری قبلی و مجامع رسمی آمده بود و هیچ مطلب جدیدی ارائه نشد.

۳-۲) سوالات و موضوعات مطرح شده توسط اعضا شورویاری در این خصوص وزن چندانی (۱) به گزارش اضافه نکرد.

۳-۳) مساله و مشکل کسبه پلاسکو و افرادی که در آنجا شغل خود را از دست داده اند، بعد از گذشت ماهها همچنان سر جای خود باقی است. بنابراین در خصوص این بخش از صورت جلسه، اعلام می توان ارزیابی شخصی ارائه کرد.

۴. انتخاب نمایندگان شورویاری شهر جهت عضویت در «تیم ویژه ذیل بند ماده ۵۵ قانون شورویاری (مشاغل مزاحم)». «هیات انضباطی رسیدگی به تخلفات تاکسیرانی» و «تیم ویژه ذیل ماده واحده مصوبه مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولین» بخش انتهایی این جلسه بود.

بررسی افرادی که معرفی شدند حکایت از این دارد که برخی اعضا به صورت تکراری و ثابت به عنوان نماینده شورویاری در مجامع معرفی شده اند. به نظر می رسد چالش اصلی شورویاری این بخش، یعنی ماکزیم نکردن کارایی شورویاری در پرتو «مشارکت تمام اعضا مبتنی بر مزیت نسبی آنها» همچنان لحاظ نمی شود.

خلاصه کلام، جلسه امروز شورویاری با معیار هزینه - فایده (هزینه ی ۵۰۰ میلیون شری تهران برای هر جلسه) در بسیاری از بندهای دستور جلسه قابل ارزیابی نمی باشد. شورویاری باید تدبیری تازه ای بیابد!



محله امامزاده یحیی



گزارش هفته نامه «پدیده شهر» از مشکلات محله

شورای شهر جدید پدیده محله «امام زاده یحیی»

چراغ محله «امام زاده یحیی (ع)» خاموش است!

یابرای کاراز شهرستان وروستاها به تهران آمده اند و در بازار مجاور امام زاده کارگری می کنند. در واقع حدود ۱۲ هزار نفر جمعیت به محدوده بازار که در کنار «امامزاده یحیی» قرار دارد شده اند. بیشتر اهالی محله زندگی سختی دارند و فقیر هستند. اما هر روز در مورد به سرقت رفتن یکی از اثاث و وسایل ناچیز خانه یا حیاط خود شکایت دارند. مثلاً یک اسپند دودکن شکسته یا زنگ زده به چه کاری می آید و چه قدر ارزش مالی دارد؟ در حالیکه معاندان با فروش وسایل کهنه، خرج مواد کوفتی شان تامین می کنند و برای تامین مواد دست به هر کاری در محل می زنند که سرقت وسایل مردم کمترین آن است!

حسرتی که در چهره دارد می گوید: «این امام زاده تنها چشم و چراغ اهالی است. اصلاً محله بدون آن هیچ صفایی ندارد. محله انقدر از معتمد افراد لایبالی زیاد شده است که حتی بنگران هستیم. امام زاده هم دستخوش تغییر شده و از صفا و معرفتش برای جوانان این دوره و نمونه کم شده؛ شاید الان کمتر جوانی بداند که محله امام زاده در گذشته چه صفایی داشت. تمام محله ۳۰ سال پیش پر از درخت و برکت بود. آدم های خوبی ساکن این محل بودند. همه آبرودار و مومن... اما حالا خبری از مردم قدیمی آن زمان نیست. هر روز افراد تازه ای ساکن شدند که اهل خانه و خانواده نیستند، یا مجرد هستند، معتمد هستند و

کمتر کسی که در تهران زندگی می کند، با بقعه «امام زاده یحیی» آشنا نیست. اینجاست که همه می شناسند، چه آنها که برای گرفتن شفای فرزند مریض خود، شب ها در این «امام زاده» دخیل بسته اند و چه آنها که برای خرید به بازار این محله آمده و هوای زیارت هم به سرشان افتاده است. مردم محلی بدون استئنا تمام برکت زندگی خود را از نزدیک بودن و همجاری بسایین «امام زاده» می دانند. مردم این محل انقدر با مشکلات شهری، آسیب های اجتماعی و محرومیت دست و پنجه نرم کرده اند که تنها دلخوشی شان همین امام زاده است. «حاج آقا مشرفی» از سن و سال داران محله امام زاده یحیی با حالت دلسوزی و



بس است؛ دیگر از «امام زاده یحیی» بازدید نکنید!

خانه ها را تملک کنند و پول مردم را بدهند تا در محله های ایمن ساکن شوند. چند سال پیش در یک مدت زمان بسیار کوتاه، به اهالی محله اجازه ساخت ساز دادند. خانواده هایی که توان مالی داشتند از این فرصت استفاده کردند و جواز ساخت ۴ طبقه گرفتند؛ اما از یک مقطع زمانی، کار ساخت و ساز و دادن مجوز ممنوع شد. بخش هایی از خیابان مجوز ساخت ۵ طبقه دارند و آباد شده اند اما برخی از محله های آن سوی «امامزاده یحیی» نه تنها آباد نشدند بلکه مشکلات پیچیده تر دارند...

اماکن فرهنگی و قدیمی مثل حمام نواب، خانه دبیر الملک، خانه مدرس، سرای کاظمی و... اجازه نوسازی یافت های فرسوده محل را نمی دهد. از طرفی میزان استقبال مردم و گردشگران از این فضاها محله بسیار ناچیز است. در واقع وقتی ظاهر محله رو به خرابی می رود و از ساختمان ها تنها آثار می ماند، کدام گردشگر جذب این محدودها می شود؟ گردشگر برای این بافت تاریخی می آید نه تماشای کار تن خواب ها! اگر قرار است میراث فرهنگی تنها سنگ اماکن تاریخی و با ارزش را به سینه زند، تمام خواب

ها درست هستند. در حالیکه هر کدام از مسئولان برای اینکه از نزدیک با مشکلات آشنا شوند، فقط یک شب تا صبح در خانه یکی از مردم ساکن در محله بمانند تا بسیار ملموس تر، متوجه مشکلات ما شوند؛ و گرنه بازدید یک ساعته و شنیدن حرف های تکراری چه فایده ای داشته است؟ مشکلات محله ما یکی دو تا نیست، هزاران مشکل و گره کور داریم. اینک محله ما بسا محدود بازار یکی شده است، گناه مردم ساکن نیست. سازمان میراث فرهنگی به خاطر وجود تعدادی از

گفتنی را زده اند و در تمام سالها مسئولان زیادی از محله بازدید کرده اند. «صابری» یکی از مغازه داران محله به «پدیده شهر» می گوید: «هرسال از شهر داری، مجلس شورای شهر، وزارت خانه ها، سازمان ها و... به محله می آیند. عکس و فیلم می گیرند، ساعت ها پشت در های بسته جلسه برگزار می کنند. اما بازدید و جلسه به تنهایی به چه کار مردم می آید؟ تازه اگر خوش شانس باشی، نزدیک برگزار انتخابات، وعده وعده های تو خالی نقد زیاد می شود که نمی دانیم کدام یک از وعده

شبه ها که در خیابان و کوچه های امامزاده قدم می زنی، منزلی را می بینید که متعلق به افغانی ها است؛ انگار وارد شهرک بزرگی شده اید که همه افغانی هستند. بیشترین نگرانی اهالی این است که پایین بودن قیمت زمین در این منطقه باعث صاحب خانه شدن تک تک افغانی ها در این محل شود. بیش از ۵۰ درصد کسب و کار در بازار، زیر زمین ها، کارگاه های تولیدی، مغازه ها و... در این محله با کار افغانی های چرخد. اهالی امامزاده یحیی حرف و خواسته زیادی دارند اما به گفته خودشان، حرف های

با کوهی از مشکلات فراموش شده ایم!

راندا رند» وی می افزاید: «هر قدر فعالیت و عملیات عمرانی برای محله مسأ منطقه ۱۲ در خصوص محلات مسکونی بازار انجام شود، باز هم درخواست های بیشتری داریم چرا که به جرات می توان گفت حدود ۱۰-۱۵۰ سال است که به این محله رسیدگی نشده است و در واقع فراموش شده است. از طرف دیگر مردم متدین و مذهبی خوبی از سه قوم لر، کرد و سیسوار داریم که به خصوص در مناسبت های مذهبی مثل روزهای محرم و

اصیل، از حضور گردشگران و تاریخ دوستان محروم میماند. بسیاری از اهالی هم با کارهای خانه های خود به افراد مجرد یا کسانی که برای کار از شهرستان به تهران آمده اند، محله مهاجرت کرده و به مناطق دیگر رفته اند، خالی شدن محل از افراد قدیمی و اصیل و ورود افراد بیگانه بسیار در دراز مدت ساز شده است که دود این معضل به چشم تک تک قدیمی های می رود که توان زندگی و رفتن به مناطق دیگر

است. مسئولان هم صدای اهالی و ما را در این زمینه پامی شنوند و پارسیدی به این محله قدیمی را در اولویت های شان نمی دانند. در حالیکه رسیدگی به این محل می تواند درآمد حاصل از حضور گردشگران و کسبه های محله را در حال حاضر شهرداری کمک هایی در مورد سنگ فرش کرده یا بازسازی و مرمت خانه دبیر الملک، حمام نواب و خانه مرحوم مدرس را انجام داده است اما مشکلات ترافیکی و فرسوده بودن خانه ها باعث شده مردم قدیمی را از خانه زنگیشان فراری داده

«محمد دوستی» دبیر شورایی محله «امامزاده یحیی (ع)» با تشریح مشکلات مشهود محله به خبرنگار ما تاکید می کند: «در حال حاضر سازمان میراث فرهنگی در محل ورود خوبی داشته است، اما این ورود خوب باید تنها در عملکرد او نام نه این سازمان ثبت اقدامات این سازمان برای ثبت مکان های تاریخی حرکت خوبی است اما مشکلات اهالی محل نادیده گرفته شده و مردم قدیمی را از خانه زنگیشان فراری داده

اهالی «امامزاده یحیی» از اینکه هنوز خودشان نمی دانند که محله شان مسکونی یا تجاری است، ناسف زادی می خوردند و از اعضای شورای شهر تهران و شهردار جدید پایتخت درخواست دارند تا به محله «امام زاده یحیی» به صورت اورژانسی رسیدگی کنند. شهرداری یک دهه پیش مجوز ساخت پاساژ در برخی از خیابان های محله امامزاده یحیی داده، عوارض و مالیات خوبی هم از کسبه این پاساژها گرفت اما یک ریال آن را برای این محله خرج نکردند. الان شهرداری اعلام کرده است که این محله میراثی است و به اینبیه هاستیاز ساخت تجاری نمی دهند.

احداث پاساژ به جای نوسازی بافت های فرسوده!

به طریحی که در زمان قالیباف شهردار سابق تهران برای ارتقای سطح زندگی اهالی امام زاده انجام شد به خبرنگار «پدیده شهر» می گوید: زمانی در محله طرح ارتقای کیفیت زندگی در حال اجرا بود و حتی جایگاه های ویژه ای هم در نظر گرفته شده بود که کار اطلاع رسانی و فرهنگ سازی را انجام می داد، از شهردار جدید تهران تقاضا داریم که چنین رویکردی را در سطح محلات ما ادامه داده و نگاه ویژه تری به مشکلات این محله داشته باشند. از تقای سطح زندگی اهالی، مردم قدیمی ضمن شناخت اهمیت و جایگاه تاریخی و فرهنگی محله،

کند؟ چرا شهرداری به جای ساخت پاساژ های رنگارنگ، برای نوسازی خانه های مردم اقدامی نمی کند؟ محله با کمبود بیمارستان، درمانگاه، زمین بازی و ورزشی روبه روست. مدرسه های محل بسیار فرسوده هستند و وقتی وارد حیاط شان می شوید، احساس می کنید وارد یک مدرسه در روستای دور افتاده شده اید. در حالی که ما ناسلامتی ساکن پایتخت تهران هستیم، مگر خدمت به مردم در اولویت قرار ندارد؟ ساخت پاساژ در کنار منازل مسکونی مردمی که صدها گرفتاری دارند، خدمت به خلق خداوند است؟ قاسمی عضو شورای ای محله زبور با اشاره

مسئولان شهرداری اعتقاد دارند که بافت «امامزاده یحیی» باید یک بافت مختلط تجاری و مسکونی شود. اما سوال ما این است که آیا داخل این کوچه می شود، بافت مختلط ساخت آن هم جایی که حتی امکان راه رفتن اهالی محله یا حتی تردد ماشین های حمل زباله، یا اتش نشانی فراهم نیست؟ «محبی» یکی از ریش سفیدان ساکن در خیابان مرادی به وجود پاساژهای متعدد ساخته شده در محدوده سکونت اهالی اشاره کرده و با دلخوری می گوید: «کدام کارشناس مجوز ساخت این پاساژ را داده و کدام مهندس ناظر ای مجوزها را امضا می

مهدی جزئی زاده عضو شورایی محله «امامزاده یحیی (ع)» با اشاره به بافت فرسوده و مشکلات حاصل از آن تصریح می کند: تک تک مسئولان شهری به خوبی می دانند که اگر خدای نکرده یک خانه از محله دچار آتش سوزی شود، چه فاجعه ای می شود؛ تردد یک ماشین آتش نشانی در خیابان های اصلی با اعمال شاقه رو به روست، آنوقت تردد خودروها در محلات کم عرض و پهن هرگز امکان پذیر نیست؛ محله به هیچ عنوان برای مواقع

مهدی جزئی زاده عضو شورایی محله «امامزاده یحیی (ع)» با اشاره به بافت فرسوده و مشکلات حاصل از آن تصریح می کند: تک تک مسئولان شهری به خوبی می دانند که اگر خدای نکرده یک خانه از محله دچار آتش سوزی شود، چه فاجعه ای می شود؛ تردد یک ماشین آتش نشانی در خیابان های اصلی با اعمال شاقه رو به روست، آنوقت تردد خودروها در محلات کم عرض و پهن هرگز امکان پذیر نیست؛ محله به هیچ عنوان برای مواقع



شورای شهر جدید پیگیر بحران «امام زاده یحیی» باشد!

این مورد که مصوبه ای داده بود و اعتباری تعیین کرده بود، نظارتی اعمال نکرده است. امیدوار هستیم که کار ساخت و ساز این مجموعه ورزشی با نظارت مستقیم شهردار تهران، شورایی شهر و حتی شهردار منطقه دنبال شده و شورای شهر در مورد نحوه هزینه بردن این بودجه پیگیری باشد.

و زمین سازی ایمن برای پسر کردن اوقات فراغت جوانان رنج می برد. این در حالی است که مصوبه احداث یک مجموعه ورزشی در محله امامزاده در سال ۱۳۹۱ موجود بوده و ۲۰ میلیارد نیز برای آن بودجه در نظر گرفته شده است. کلنگ زنی این مجموعه ورزشی در سال ۱۳۹۲ انجام شده اما تنها تا هر حله خاک برداری و گود برداری پیش رفته و پیشرفت چندانی نداشته است؛ متأسفانه با وجود پیگیری های شورایاران، شورای شهر سابق هم در

بحرانی ایمن نبوده و مردم حق دارند که فرار را بر قنار ترجیح داده اند؛ متأسفانه از سال ۱۳۸۴ به این محله اجازه ساخت ندادند، به همین دلیل با وجود قیمت بالای مصالح ساختمانی و... میزان مشارکت و سرمایه گذاری در میان اهالی محل و حتی بساز و بفروش ها پایین آمده و اصلاح فرقه اقتصادی ندارد.

فاطمه ابراهیمی عضو هیات رئیسه شورایی محله «امامزاده یحیی (ع)» می گوید که محله از کمبود مجموعه ورزشی

مهدی جزئی زاده عضو شورایی محله «امامزاده یحیی (ع)» با اشاره به بافت فرسوده و مشکلات حاصل از آن تصریح می کند: تک تک مسئولان شهری به خوبی می دانند که اگر خدای نکرده یک خانه از محله دچار آتش سوزی شود، چه فاجعه ای می شود؛ تردد یک ماشین آتش نشانی در خیابان های اصلی با اعمال شاقه رو به روست، آنوقت تردد خودروها در محلات کم عرض و پهن هرگز امکان پذیر نیست؛ محله به هیچ عنوان برای مواقع

شاهد «اوود سیدی» از ایمنی لازم برای استفاده جوانان برخوردار نیست و ممکن است حتی با برخورد یک توپ به دیوار، تخریب شود. از مسئولان می خواهیم که اگر کار ساخت و ساز مجموعه ورزشی جدید دنبال شود، بر کیفیت ساخت و ساز توجه ویژه ای شود تا ساختمان دیگری که محل بازی نوجوانان و جوانان است، دستخوش حادثه نشده و به تعداد ساختمان های فرسوده موجود نیز اضافه نشود.

وی به ضرورت توجه به کیفیت ساخت و سازهای جدید در این محله اشاره کرد و ادامه داد: «متأسفانه مجموعه ورزشگاه

فاطمه ابراهیمی عضو هیات رئیسه شورایی محله «امامزاده یحیی (ع)» می گوید که محله از کمبود مجموعه ورزشی

مهدی جزئی زاده عضو شورایی محله «امامزاده یحیی (ع)» با اشاره به بافت فرسوده و مشکلات حاصل از آن تصریح می کند: تک تک مسئولان شهری به خوبی می دانند که اگر خدای نکرده یک خانه از محله دچار آتش سوزی شود، چه فاجعه ای می شود؛ تردد یک ماشین آتش نشانی در خیابان های اصلی با اعمال شاقه رو به روست، آنوقت تردد خودروها در محلات کم عرض و پهن هرگز امکان پذیر نیست؛ محله به هیچ عنوان برای مواقع

مهدی جزئی زاده عضو شورایی محله «امامزاده یحیی (ع)» با اشاره به بافت فرسوده و مشکلات حاصل از آن تصریح می کند: تک تک مسئولان شهری به خوبی می دانند که اگر خدای نکرده یک خانه از محله دچار آتش سوزی شود، چه فاجعه ای می شود؛ تردد یک ماشین آتش نشانی در خیابان های اصلی با اعمال شاقه رو به روست، آنوقت تردد خودروها در محلات کم عرض و پهن هرگز امکان پذیر نیست؛ محله به هیچ عنوان برای مواقع



یادداشت

نکته شگفت انگیز در مذاکرات این بخش این بود که یکی از اعضای باتجربه و سابقه شهرت در نزد کارکنان خود دارد. یک فوریتی را امضاء کرده بود و مخالف طرح سخن گفت

وقتی موتور شوراهنوز گرم نشده

بحث و بررسی فقط دو بند از دستور جلسه ی "ده بندی" و ناتمام گذاشتن جلسه شورا به دلیل ضرورت حضور در یک برنامه همزمان در شهرداری تهران را باید به نوعی نقص در تنظیم زمان بندی دستور جلسه شورا به حساب آورد. ارزیابی جلسه نهم شورا به دلیل ناتمام ماندن آن قدری مشکل است.

باین وصف، آنچه در جلسه امروز اتفاق افتاد به شرح زیر است:
۱- معمولاً در برخی جلسات شورا از ادوار قبل، رسم بر این است که به مناسبت های مختلف افراد و یا گروه هایی به صحن شورا دعوت شده و به نوعی از آنها تحلیل به عمل می آید. نحوه انتخاب این افراد و گروه ها نیز تابعی از سلاقی و ارتباطات رئیس شورا می باشد. در جلسه امروز جمعی که خود را یک سمت (NGO) (کانون خلبانان پیشکسوت دوران جنگ) می نامیدند در صحن حاضر شده و گزارشی از فعالیت های خود ارائه کردند. حضور این مجموعه به دلیل مرور خاطرات دوران دفاع مقدس فی نفسه از رشدندانست، اما مساله این است که ۳ فرصت و امکان برای سایر گروه ها و اقشار این جنبه برای حضور در شورا به صورت مساوی وجود دارد؟ آیا نمی شد به مناسبت ایام هفته دفاع مقدس جمع فراگیرتری را به جای یک سمت به صحن دعوت کرد؟ البته سخنگوی این مجموعه به این مطلب اشاره کرد که به دلیل ارتباط با شخص رئیس شورا این فرصت را پیدا کرده اند. بنابراین این بخش از دستور جلسه ارزش سمبلیک و نمادین داشت.

۲- تذکر عضو در صحن شورا فرصتی برای تحقق نقش نظارتی عضوی می باشد. این تذکرات باید معطوف به حل مسائل و مشکلات مردم و شهر در حوزه های ماموریتی شهرداری باشد تا بتواند به آن

۱-۲: تذکر یک عضو شورا در خصوص تخلفاتی که مجموعه تجاری "پالادیوم" واقع در منطقه یک شهرداری مرکب شده، از امتیاز نمره قابل قبولی داد. در جلسه امروز:

۲-۲: تذکر عضو دیگر شورا مبنی بر "درخواست توقف همکاری شهرداری در طرح جمع آوری کودکمان کار" اگر منتج به این شود که نحوه کیفیت ورود شهرداری به مسائل اجتماعی از این حالت که "شهرداری قلق (منبع تامین پول) سایر دستگاه های دولتی را مستأثرترین تذکر شورا پنجم از ابتدا تا کنون در حوزه مبارزه با رانت و فساد تلقی کرد.

۲-۲: تذکر عضو دیگر در خصوص سرعت بالای "تبدیل کاربری های مسکونی به تجاری در شهرک غرب" گرچه می تواند ورود مناسبی به مساله باشد، اما به صورت کلی و بدون مصادیق لازم ارائه شد.

۲-۴: تذکر عضو دیگر شورا در خصوص تعداد کارمندان شهرداری و طرح این مطلب که ۱۳۵ هزار نفر از شهرداری تهران حقوق دریافت می کنند" رانمی توان قابل راستی آزمایی دانست.

۲-۵: تذکر یک عضو دیگر شورا در خصوص "ساخت و سازهای غیر مجاز در منطقه خالزیر و پالساگام نعمت آباد را می توان یک تذکر موثر به شمار آورد.

۲-۶: آخرین تذکر مطرح شده در جلسه و طرح این ادعا که "شهر در مساله بر گزاری مناقصه نگهداشت تونل نیش ۱۲ میلیارد تومان متضرر شده است" نیز در صورت پیگیری و به نتیجه رسیدن تذکر موثری محسوب می شود.

در یک جمع بندی می توان تذکرات امروز اعضای شورا را در مقام مقایسه با تذکرات جلسات قبل دارای کیفیت و اثر گذاری بیشتری دانست.

۳- تذکر های "یک فوریتی" و "دو فوریتی" ابزاری مناسب در اختیار شورا جهت دیکته کردن اولویت ها به شهرداری و شورا بوده و نشان دهنده این است که شورا در اداره شهرداری راهبردی و اولویت های مشخص است. در جلسه امروز طرح آرا شورا تهران برای این تشکیل کمیته ای ایمنی ساختمانهای شهر تهران " مطرح شد. بررسی استدلال های عنوان شده توسط اعضا در جلسه حکایت از آن داشت که موضوع به صورت شتاب زده بدون لحاظ ابعاد و جوانب آن رای آورد.

نکته عجیب و شگفت انگیز در مذاکرات این بخش این بود که یکی از اعضای باتجربه و قدیمی که سابقه شهرداری نیز در کارنامه خود دارد، شورا که این طرح "یک فوریتی" را امضاء کرده بود به عنوان مخالف طرح سخن گفت. گرچه وی اعلام کرد که به اشتباه امضاء کرده است، اما استدلال های وی که اتفاقاً قابل توجه و دقیق بود، مورد توجه شورا قرار نگرفت.

به نظر می رسد که خروجی این بند از دستور جلسه قابل ارزیابی روشنی نمی باشد. خلاصه کلام اینکه جلسه امروز شورا از حیث تنظیم زمانی بندهای دستور جلسه و موضوعات مطرح شده در آن به جز تعدادی از تذکرات قابل ارزیابی نبود.



آقای وزیر بعد از پنج سال وزارت حرف تازه های نداشت!

واکنش به انتقادات اخیر به کیفیت جلسات شورای شهر تهران، یکی از اعضای مؤثر شورا سابق از "مقررات زبانی و کیفی سازی مصوبات و جلسات شورا به جای تعداد زیاد مصوبه" به عنوان راهبردی شورا به میان آورد. علیرغم انتقادات وارد بر این نوع نگرش، بر اساس همین معیار مورد نظر ایشان "همین" جلسه شورا را مورد نقد و نظر قرار می دهم. (الف) حضور و سخنرانی یک ساعته آخوندی وزیر مسکن (۵۰ درصد زمان جلسه)

۱- دلیل دعوت از وی در جلسه شورا "ارابه گزارش در خصوص بافت های فرسوده شهر تهران" بود، اما آنالیز زمانی جلسه نشان می دهد صرفاً ۱۴ دقیقه راجع به موضوع صحبت کردند.

۲- در این ۱۴ دقیقه، آقای وزیر به جای ارائه گزارش عملکرد دولت در چهار سال گذشته به یک سری آمارهای کلی، تکراری و راه حل هایی که نه تنها امکان علمی آنها محال تر دید است، بلکه در خصوص آنها اجماع نظری نیز وجود ندارد، ارائه کرد. دلیل اصلی فشار آقای وزیر از گزارش عملکرد را در عبارات شورا یاران محله "بازار" زیر می توان یافت.

سخنانی بود که در مورخه ۹۲/۹/۱۲ یکی از اعضای شورا چهارم ارائه کرد. وی در آن جلسه نیز در خصوص "منطقه شهری تهران بزرگ"، "تامین مالی شهرداری"، "تقسیمات کشوری"، "پولت محلی و ملی" و ... در بهترین حالت مقایسه ای در حد اندازه یک تحقیق دانشگاهی دوره کارشناسی ارائه شده، سخن گفت. البته تنها تفاوت سخنان امروز وی با ۳ سال گذشته "به روز کردن آمار و اطلاعات" ارائه شده توسط وی بود. این در حالی است که ایشان پنج سال بالاترین مقام مسئول دولتی در این حوزه ها بوده است.

۴- اینکه وزیر مسکن و شهرسازی در بیرون مناسبی برای ارائه اطلاعات زیرمجموعه خود را پیدا کرد بود چندان قابل خنده گیری نمی تواند باشد. نکته شگفت آور، واکنش اعضای شورا در قبال این نحوه



شرق تهران " توسط میرلوحی و فراهانی،

۲- وقتی آن نهاد نظارتی می گوید که "شورای قبلی به تذکرات و پیشنهادات

از دیگر بخش های جلسه بود. گرچه در

این بخش شورا با انتخاب کارشناسانی

خارج از عضویت تکراری اعضا، یک قدم

به جلو برداشت، اما این انتخاب ها دچار

نوعی نقص ساختاری و محتوایی بود. چرا

که حداقل شورا می توانست این افراد را

به صحن فضا خوانده و راجع به سوابق و

تجارب آنها سوال کند. علاوه بر این، در

این موارد شورا باید از برخورد شکلی به

چارچوب محتوایی برسد. بعنوان مثال

یعنی تذکر در خصوص "ساخت و ساز

غیرمجاز در منطقه ۱۹، محله خالزیر و

تبدیل پارک به مرکز تجاری و تذکر در

خصوص "تاخیر در تکمیل پروژه پایانه

توسط میرلوحی و فراهانی،

۲- وقتی آن نهاد نظارتی می گوید که

از دیگر بخش های جلسه بود. گرچه در

این بخش شورا با انتخاب کارشناسانی

خارج از عضویت تکراری اعضا، یک قدم

به جلو برداشت، اما این انتخاب ها دچار

نوعی نقص ساختاری و محتوایی بود. چرا

که حداقل شورا می توانست این افراد را

به صحن فضا خوانده و راجع به سوابق و

تجارب آنها سوال کند. علاوه بر این، در

این موارد شورا باید از برخورد شکلی به

چارچوب محتوایی برسد. بعنوان مثال

یعنی تذکر در خصوص "ساخت و ساز

غیرمجاز در منطقه ۱۹، محله خالزیر و

تبدیل پارک به مرکز تجاری و تذکر در

خصوص "تاخیر در تکمیل پروژه پایانه

توسط میرلوحی و فراهانی،

۲- وقتی آن نهاد نظارتی می گوید که

از دیگر بخش های جلسه بود. گرچه در

این بخش شورا با انتخاب کارشناسانی

خارج از عضویت تکراری اعضا، یک قدم

به جلو برداشت، اما این انتخاب ها دچار

نوعی نقص ساختاری و محتوایی بود. چرا

که حداقل شورا می توانست این افراد را

به صحن فضا خوانده و راجع به سوابق و

تجارب آنها سوال کند. علاوه بر این، در

این موارد شورا باید از برخورد شکلی به

چارچوب محتوایی برسد. بعنوان مثال

یعنی تذکر در خصوص "ساخت و ساز

غیرمجاز در منطقه ۱۹، محله خالزیر و

تبدیل پارک به مرکز تجاری و تذکر در

خصوص "تاخیر در تکمیل پروژه پایانه

توسط میرلوحی و فراهانی،

۲- وقتی آن نهاد نظارتی می گوید که

از دیگر بخش های جلسه بود. گرچه در

این بخش شورا با انتخاب کارشناسانی

خارج از عضویت تکراری اعضا، یک قدم

به جلو برداشت، اما این انتخاب ها دچار

نوعی نقص ساختاری و محتوایی بود. چرا

که حداقل شورا می توانست این افراد را

به صحن فضا خوانده و راجع به سوابق و

تجارب آنها سوال کند. علاوه بر این، در

این موارد شورا باید از برخورد شکلی به

چارچوب محتوایی برسد. بعنوان مثال

یعنی تذکر در خصوص "ساخت و ساز

غیرمجاز در منطقه ۱۹، محله خالزیر و

تبدیل پارک به مرکز تجاری و تذکر در

خصوص "تاخیر در تکمیل پروژه پایانه



سالاری خواستار لغو توافقات مالک پالادیوم باشهرداری منطقه یک شد

مجموع پالادیوم خارج از ضوابط طرح تفصیلی احداث شده است محمد سالاری رییس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران، ری و تجریش در نهمین جلسه شورای شهر تهران در تذکری نسبت به ساخت و سازهای مربوط به مجتمع تجاری پالادیوم گفت: این مجتمع تجاری طی سال های گذشته با بارگزارگی گسترده و خارج از ضوابط پهنه ها و زیر پهنه های طرح تفصیلی و بدون ارائه به کمیسیون ماده ۵ ساخته شده است از آنجاییکه جذب سفر آن محلی، منطقه ای و شهری است به پارکینگ زیادی نیاز دارد و اکنون مشکلات جدی را برای اهالی محل و منطقه ایجاد کرده است.

مالک مجتمع پالادیوم زمینی را در گذر جنوبی به بهانه ساخت پارکینگ خریداری کرد اما طی توافقی با شهرداری منطقه آنجا را هم تبدیل به کاربری اداری، ورزشی و ... کرده است و بر اساس همین توافقات احداث زیرگذری برای اتصال این ساختمان و مجتمع تجاری پالادیوم در حال اجرا است که چنین کاری در شهر تهران عرف نیست. مالک در توافقی جدید با شهرداری منطقه قصد ایجاد یک پل هوایی به طول ۴۰ متر که از فراز املاک دیگری می گذرد را دارد و علی رغم اینکه تعدادی از اعضای شورای معماری منطقه مخالف این موضوع هستند، مالک، شهردار فعلی منطقه را بسندت تحت فشار قرار گذاشته است که این پل احداث شود. لازم است شهرداری تهران در راستای جلوگیری و لغو این توافقات بغوریت اقدام کند.

ورود محتوایی و پرسشگرانه داشته باشد. بنابراین این بند از صورتجلسه ارزش معمولی داشت.

جدی ترین تفاوت شورای پنجم با ادوار قبلی شورا در علنی کردن تمامی جلسات شورا بود. تصمیم شورا در غیر علنی کردن شورا برای برای روز یکشنبه خطای نظری بود.

روایت مبانی استدلال رئیس شورا مساله را روشن تر می سازد. رئیس شورا در این خصوص گفت: "به دلیل نامه های محرمانه یک نهاد نظارتی باید جلسه را غیر علنی برگزار کنیم. همه موارد مربوط به دوره قبل شهرداری است که اشکالات را بررسی کرده و پیشنهاداتی ارائه کرده اند. بخش دیگر از نامه ها مربوط به شورای شورا قبل است که مواردی را اعلام کرده اند که شورای قبل رعایت نکرد و ما باید رعایت کنیم".

حال سوال این است که:
۱- عگر نه این است که شورا شعار شفافیت داده است؟ مگر غیر این این است که اولین طرح دو فوریتی شورای پنجم "آرام شهرداری به ارائه گزارش عملکرد شهرداری در دوره گذشته" است. چگونه در این موارد که اتفاقاً مربوط به گذشته

است آنرا به دست و پنهان می برد؟

۲- وقتی آن نهاد نظارتی می گوید که

"شورای قبلی به تذکرات و پیشنهادات

از دیگر بخش های جلسه بود. گرچه در

این بخش شورا با انتخاب کارشناسانی

خارج از عضویت تکراری اعضا، یک قدم

به جلو برداشت، اما این انتخاب ها دچار

نوعی نقص ساختاری و محتوایی بود. چرا

که حداقل شورا می توانست این افراد را

به صحن فضا خوانده و راجع به سوابق و

تجارب آنها سوال کند. علاوه بر این، در

این موارد شورا باید از برخورد شکلی به

چارچوب محتوایی برسد. بعنوان مثال

یعنی تذکر در خصوص "ساخت و ساز

غیرمجاز در منطقه ۱۹، محله خالزیر و

تبدیل پارک به مرکز تجاری و تذکر در

خصوص "تاخیر در تکمیل پروژه پایانه

توسط میرلوحی و فراهانی،

۲- وقتی آن نهاد نظارتی می گوید که

از دیگر بخش های جلسه بود. گرچه در

این بخش شورا با انتخاب کارشناسانی

خارج از عضویت تکراری اعضا، یک قدم

به جلو برداشت، اما این انتخاب ها دچار

نوعی نقص ساختاری و محتوایی بود. چرا

که حداقل شورا می توانست این افراد را

به صحن فضا خوانده و راجع به سوابق و

تجارب آنها سوال کند. علاوه بر این، در

این موارد شورا باید از برخورد شکلی به

چارچوب محتوایی برسد. بعنوان مثال

یعنی تذکر در خصوص "ساخت و ساز

غیرمجاز در منطقه ۱۹، محله خالزیر و

تبدیل پارک به مرکز تجاری و تذکر در

خصوص "تاخیر در تکمیل پروژه پایانه

توسط میرلوحی و فراهانی،

۲- وقتی آن نهاد نظارتی می گوید که

از دیگر بخش های جلسه بود. گرچه در

این بخش شورا با انتخاب کارشناسانی

خارج از عضویت تکراری اعضا، یک قدم

به جلو برداشت، اما این انتخاب ها دچار

نوعی نقص ساختاری و محتوایی بود. چرا

که حداقل شورا می توانست این افراد را

به صحن فضا خوانده و راجع به سوابق و

تجارب آنها سوال کند. علاوه بر این، در

این موارد شورا باید از برخورد شکلی به

چارچوب محتوایی برسد. بعنوان مثال

یعنی تذکر در خصوص "ساخت و ساز

غیرمجاز در منطقه ۱۹، محله خالزیر و

تبدیل پارک به مرکز تجاری و تذکر در

خصوص "تاخیر در تکمیل پروژه پایانه



«هرندی» یا بازار روز انواع مخدرها؟

که مجرد هستند و در این محله، منزل اجاره می کنند؛ توزیع کنندگان موتورهای ماشینی که از سایر محلات وارد می شوند هم در نوع خود مشکلات دیگری را ایجاد کرده اند. به همین دلیل به جرات می توان گفت که محله «هرندی» به بازار روز مواد مخدر تبدیل شده است. موتور سواران به محله «هرندی» می آیند و مواد خود را می فروشند و کاسبی می کنند و بعد به محله خودشان باز می گردند. بزرگترین مشکل مافروشندگان مواد مخدر به ویژه فروشندگان موتور سوار و خودرو سوار هستند که حل این معضل هم به تنهایی از عهده کلاتری مستقر در محل بر نمی آید.»

و کار خلاف دیگری یاد گرفته اند؛ در حالیکه یک معتاد بعد از دستگیری به خیرنگار «پدیده شهر» تاکید می کند: «یکی از مشکلات مهم موجود، بی مهری مسئولان انتظامی و امنیتی است که باعث ایجاد معضلات و آسیب های اجتماعی زیادی شده است. وجود معتادان متجاهر و فروشندگان مواد مخدر این محله را تشویق کرده است. چندین بار معتادان را جمع آوری کردند و به محل های ترسک اعتیاد بردند، اما چون برنامه ریزی درستی انجام نشده است، این دور باطل همچنان تکرار شده و هر بار بدون نتیجه فراموش شده است، چرا که معتادان دوباره به محل برگشته

ندامدار محله با پلمپ شدن یک مغازه، تخریب یک خانه یا پاتوق فساد یا حتی دستگیر شدن و لو رفتن یکی از همراهانشان خم به ابرو نمی آورند یک یا دو هفته صبر می کنند تا در های خانه دیگری به رویشان باز شود، خانه یا اتاق دیگری پاتوق شود یا دوست شقیقشان از زندان خلاص شود. آنوقت روز از نو روزی از نو آنها به گشت های نیرو انتظامی هم که گاهی سروکله شان پیدا می شود، اعتنایی ندارند؛ اصلا عسارت دارند که گاهی مزاحمی پیدا شود و بساط شان را خراب کند. راه فرار که زیاد است. گشت، نیروهای شهرداری و انتظامی هم که فقط سرک می کشند یا با زدن یک سوت بلند، آنها را متفرق می کنند، پس خیالشان از تمام جوانب آسوده است.



هرندی راه فرار زیاد دارد

ماحلی برای خرید و فروش مواد مخدر است. اینجا درست همانجایی است مأموران نیروی انتظامی را هم عاصی کرده است. معتادانی که دستشان به دانشگاه می رسد و از فروش مواد مخدر سودی به جیب می زند یا اصلا سر گروه توزیع مواد مخدر هستند در این محله برو و بیایی برای خودشان دارند. داستان این معتادان با آنها که شهباز در گرم خانه های شهرداری سرشان را زمین می گذارند، کار تن خواب هستند یا گوشه پارک و خیابان های خوابیده فرسودگی دارند. آنها چند سر و گردن بالاتر هستند، کرایه خانه می دهند، شب نشینی دارند، نوکر و ارباب دارند، محل خواب زن های خیابانی یا معتاد را تامین می کنند یا حتی از زنان برای شرط بندی هایشان استفاده می کنند. معتادان

محله بعدی که در مورد آن حرف زیاد شده و مورد توجه مسئولان بوده، «هرندی» است؛ گرچه اقدام جدی و اثر گذاری هم در آن انجام نشده است. هرندی معرف و آشنای همه است. آشنا برای تازه واردهایی که پایتخت را برای سکونت انتخاب می کنند و انگار «هرندی» یا «شوش» تنها چاره و انتخاب آنها برای ادامه حیات است. هزینه کرایه اتاق در این محله انقدر پایین است که حتی وسوسه می شوند تا دوست و آشنایان خود را هم تشویق به تهران نشینی کنند. اما گویایین مهاجرت و سکونت در محله «هرندی» به ویژه برای معتادان با موفقیت بیشتری همراه بوده است. معتادان خانه به خانه و کوچه به کوچه محله را زیر و رو کرده اند و درست می دانند که کدام خانه پاتوق شایسته

سکوت و آبروداری در برابر معتادان!

و توان مالی خانواده ای بسیار پایین باشد، آنوقت چاره ای جز کنار آمدن با صدها مشکل برایشان نیست. این ها گفته های یکی از قدیمی نشین های محله هرندی است که حالا فقط برای شرکت در مراسم عزاداری به حسینیه معروف هرندی (رجبعلی خیاط) می آید و هرگز دلش نمی خواهد در این محل زندگی کند. او می گوید: «خانواده ها در تمام کوچه های این محل شهید داده اند و تمام کوچه پس کوچه ها به نام یک شهید نامگذاری شده است اما متأسفانه تنها پادش و دستمزد این خانواده های شهید پرور، معضلات اجتماعی و وعده های تو خالی در مورد حل این معضلات بوده است. در حالیکه حق این خانواده ها هیچ وقت ادا نشده و همه به آنها بدهکار هستیم»

حالا دیگر بسیاری از اهالی قدیمی «هرندی» یا «شوش» از این محل مهاجرت کرده اند و خانه هایشان را به کمترین قیمت فروخته اند. خریداران هم کمتر حاضر می شوند که در این محدوده ساکن شوند و خانه ها را با پایین ترین میزان اجاره می دهند. مورد هایی از خانه های اجاره ای که توسط املاکی های محدود هرندی روی شیشه های بنگاه نصب شده اند به خوبی گویای این موضوع است که قیمت ها بسیار پایین بوده و مردان مجرد متقاضیان اول و آخر این خانه ها هستند. زن و مرد های معتاد زیادی خانه ها را اجاره و چراغ سبزی برای هم مصرفی هایشان روشن می کنند. شیشه ای هاندبال هم خانه ای می گردند که شیشه مصرف کنند، هرئینی با هرئینی دیگری هم خانه می شود و غریبه بین خودشان راه نمی دهند مگر آنکه برایشان صرفه مالی داشته باشد. «هرندی زمانی مذهبی ترین و با غیرت ترین ساکنان را داشت، اما تمامشان عطای محله قدیمی شان را به لقاییش بخشیدند و رفتند! خانه های باقی مانده هم انقدر فرسوده و قدیمی هستند که کمتر خانواده داری راضی می شود که خانه ها را اجاره کند. مگر اینکه وسع

قدیمی تر های محله «هرندی» که شرایط جابه جایی و مهاجرت به مناطق دیگر تهران برایشان مقدور نیست می گویند که مواد فروشها نقره داغشان کرده اند. فقط کافی است متوجه شوند که توسط کدام خانواده به نیروی انتظامی معرفی شد ده اند یا صادی اعتراض کدامشان بلند شده است، آنوقت سر و کله دسته های تیمی شان پیدا شده و فرد معترض را به خاک سیاه می نشانند. اهالی آبرو دار «هرندی» از اینکه صدای اعتراضشان به جایی نرسیده است شکایت دارند. اما انگار خسته شده اند یا حتی عادت کرده اند که شب ها به جای داشتن آرامش، صدای عربده معتادان زن و مرد را بشنوند، صدای ناپهتجار موتور سوارانی که برای پیدا کردن طعمه یا مشتری ویراز می دهند، زور گیری می کنند یا برای شرط بندی رژه می روند را تحمل کنند. اصلا «هرندی»، شب ها آرام و قرار ندارد، روزها هم آتش زیر خاکستر است؛ انگار تمام قول و قرار های روز، شب ها عملیاتی می شود. اگر بنا بر رد گم کنی هم باشد، روزها برای انجام عملیات زیر زمینی انتخاب می شود، اما با دقت و احتیاط بیشتر!

هفته نامه «پدیده شهر» مشکلات محله هرندی را بررسی می کند؛

زندگی در سایه

نامنی و بی مهری!





کوهی از مشکلات بر دوش هرندی!

صرفاً یک مرمت عمرانی جزئی و یک اسفالت کاری توسط شهرداری ناحیه انجام شده است و کار اساسی داخل محل انجام نشده است و تا زمانی که این معبر بازگشایی نشود، همچنان با مشکلاتی دست به گریبان خواهیم بود. متأسفانه پیگیری و اقدامات مقطعی بوده و به محض رها کردن اقدامات یا توجه به فرسودگی محل، دوباره همه چیز به وضعیت اسفبار اول خود بازمی‌گردد.

او در ارتباط با پیگیری های مداوم اعضای شورایی برای حل بخشی از مشکلات تصریح می‌کند: «بارها در دوره قبلی، نسبت به عملکرد شورای شهر تهران گله کردیم و از آنها خواستیم تا به نظرات شورایی اهمیت دهند. اما حالا به اعضای جدید شورای شهر و اهمیتش اعلام می‌کنیم که حس بدبینی نسبت به شهرداری در این دوره وجود دارد مبنی بر اینکه، شهرداری هم با خلاقانان همدست است که برای حل معضلات اقدامی نمی‌شود. پس امیدوار هستیم که مسوولان جدید مدیریت شهری برای عوض شدن دیدگاه منفی این معبر اهالی نیز اجازه ندهند».

برای اهالی محدوده «دروازه غار» یا «هرندی»، جمع آوری دوره ای و ضربتی معتمدان، بازدید های مکرر شهرداران وقت، اعضای شورایی را، با اگر کمی خوش شانس باشند، دیدن یکی از نماینده های مجلس، آنهم در زمان تبلیغات انتخاباتی، مسایل عادی و تکراری بوده و به خوبی می‌دانند که این قبیل اتفاق ها، تنها یک حرکت نمایشی بوده و در ماهیت ماجرا تاثیری نخواهد داشت.

«عباسعلی آزادی» شوراییار محله «هرندی» با انتقاد از اقدامات چند پارچه و پراکنده ای که در این محل انجام می‌شود به «پدیده شهر» می‌گوید: «در حال حاضر به جز بازگشایی «بوستان زندگی» اجرای پروژه مرکز تفریحی و فرهنگی در بخشی از این بوستان که در حال ساخت است و هنوز عملیات عمرانی آن ادامه دارد، کاری دیگری در محله عملیات نشده است؛ در واقع چندین سال است که برای تعریض خیابان «معروف خانی» در حال پیگیری هستیم تا گره ترافیکی محدوده، اما اقدام خاصی در خصوص بازگشایی این معبر انجام نشده است و

مخروبه بودن خانه ها، کم عرض بودن معابر و وجود تیر چراغ برق های قدیم و فرسوده هر کدام به تنهایی معضلاتی بر دسر شده اند. ساکنانی که از سر اجبار در این محل زندگی می‌کنند نگرانی های زیادی دارند و بدون استثناء اعلام می‌کنند که در صورت وقوع زلزله هیچ راه فراری ندارند و بعد از آن هم هیچ تیرویی برای کمک به آسیب دیدگان نمی‌توانند قدم از قدم بردارند. صاحب یک بقالی کوچک که پیرمردی سنن سال دار است می‌گوید: «... تیربرق های چراغ برق برخی از محله ها از زمان صفویه وجود دارد و هنوز این تیربرق ها تغییر پیدا نکرده است.

در کوه عبدالله پشتبندی نگاه کنید، تیربرق ها نشان می‌دهد که از چه زمانی ایجاد شده است و با در کوه نوروزی تیربرق های این کوه مربوط به زمانی است که اولین تیربرق های شهر تهران را نصب کردند؛ اگر جایی از محل آتش بگیرد ماشین آتش نشانی نمی‌تواند وارد شود و موتور سوار و یا آتش نشانان باید پیاده وارد محل شوند تا بتوانند آتش را خاموش کنند.»

شهر دار جدید تهران گوش کند!

خطاب به اعضای جدید شورای شهر تهران و با اشاره به مشکلات متعدد محله یسار و ور می‌شود: «از اعضای شورای شهر تهران می‌خواهیم که محله «هرندی» را به صورت میدانی بازدید و از نزدیک با مشکلات آن آشنا شوند؛ اعضای شورای شهر سابق هم گرچه اقدام خاصی برای محله انجام ندادند و ما، اما حداقل از محله بازدید داشته اند. به همین خاطر از راه دور با دیدن چند نامه یا درخواست در مورد «هرندی» تصمیم گیری نکنند و حتما به صورت حضوری از محله بازدید کنند؛ از شورای شهر تهران، آقای نجفی، تقاضا داریم که مسیری را در این محل باز کنند که محله از حالت بن بست خارج شود. چرا که متأسفانه محله «هرندی» به دلیل تصمیم گیری های اشتباه برخی از مدیران محلی، تبدیل به یک محله بن بست و قلعه ای شده است همین مساله باعث شده است که معتمدان، زنان آسیب دیده و مهاجران شهرهای دیگر بعد

وقتی در محله «هرندی» قدم می‌زنیم، ناخودآگاه احساس ترس تمام وجودت را می‌گیرد، جوان های بیکاری که بدون هدف کنار چهار راه یا کوچه ها پرسه می‌زنند، دلهره ات را بیشتر می‌کنند، دختر جوان و محصلی با کسره از کنار جوان ها رد می‌شود اما یکی از پسر ها با کلمات زشت و رکیک دختر را نشانه می‌گیرد. دختر جوان که می‌داند نباید با آنها هم کلام یا درگیر شود، راهش را ادامه می‌دهد؛ حالا پسر ها مشغول سوت زدن و زمزمه ترانه های یکی از خواننده های رب هستند و طبعاً طعمه ای برای سرگرمی و آزار ندادن، باهاش را با سر و صدا روی زمین می‌کنند و ترانه خوان به سمت کوچه دیگری حرکت می‌کنند تا شاید طعمه ای برای آزار و متلک گفتن پیدا کرده و روزشان را بر آبروی کند! «محمد احمدی» شوراییار محله هرندی، در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر»

زندگی در سایه ناامنی و بی مهری!

کنند و دوستان خود را هم به این محل دعوت می‌کنند، حتی املاکی های فعال جز تحمل شرایط موجود به ستوه آمده اند. «حاج آقا کبری» که حدود ۲۵ سال در این محله ساکن است عصباً به دست به خانه های فرسوده اشاره می‌کند و می‌گوید: «... عمرمان در محله رفت و آرزو به دل ماندیم تا ظاهر محله از فرسودگی وزنی در آید.

تمام خانه های متروکه و قدیمی محل تجمع معتمدان، زباله یا موش ها شده است، قیمت کرایه ها و ارزش زمین در این محل انقدر ناچیز است که معتاود مواد فروشان به راحتی خانه کرایه می

انگاری آینده دخرم هستیم، هیچ معرف یا خواستگاری وقتی آدرس خانه ای می‌شوند، برای خواستگاری محیط پیش قدم نمی‌شود. همسایه های قدیمی دیگر هم وضعیتی مثل ما دارند، هر کدام از ارادل و اوایش می‌ترسند و از ترسشان اعتراض نمی‌کنند.

اصلا محله تمام و کمال در اختیار مواد فروشان و ارادل و اوایش است که در محل می‌چرخند... همانطور که حاج آقا «کبری» گرم صحبت است، صدای دخترش به گوش می‌رسد که چادر بر سر، پدرش را صدا می‌زند که جای فرسوده شیب را به صبح رسانده اند.



تمام خانه های متروکه و قدیمی محل تجمع معتمدان، زباله یا موش ها شده است، قیمت کرایه ها و ارزش زمین در این محل انقدر ناچیز است که معتاود مواد فروشان به راحتی خانه کرایه می‌کنند و دوستان خود را هم به این محل دعوت می‌کنند، حتی املاکی های فعال در محله هم دلشان را هم محلی های خوششان نمی‌سوزد، شب ها هم بر می‌دند از ترس معتاودهای از خدا می‌خورند، حتی آنهم، دخترم تنها تا کلاس دهم درس خواند و بیشتر از این اجازه درس خواندن به او ندادم. اینجا صبح های زود هم ترس دارد. معتاودها هر کدام گوشه ای کوچه ها یا کنار خانه های مخروبه خوابیده اند و از سروصدا های بلند می‌توان فهمید که زنان هم همراه با مردان در این خانه های بدون سقف و فرسوده شب را به صبح رسانده اند

همزیستی اجباری اهالی با ارادل و اوایش

چهره کوچکی که در محله ها را زشت و غیر قابل تحمل کرده است. «نه تنها محل هرندی در منطقه ۱۲ شهر داری تهران، بلکه در صد قابل محلات دیگر و روی اجرای طرح های مربوط به انضباط شهری به خود گرفته اند، چه بسیار فیلم یا عکس از تخریب منازل مسکونی، خانه های فساد، دستگیری ارادل ها، موش ها، معتمدان، زنان آسیب دیده اجتماعی و... ثبت یا منتشر شده است. اخبار مربوط به آمار عملکرد مسوولان در این طرح ها همیشه تیر شده است و ارقام دستگیری معتمدان یا جمع آوری آنها در قالب طرح های ضربتی جزئی از افتخارات مسوولان شده است، اما آنچه که از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ خروجی و نتیجه کار است که متأسفانه بازتاب منفی این قبیل اقدامات می‌باشد در برابر این نوع از آسیب های اجتماعی بسیار پر رنگ بوده است.

«مهدی کریمی» یکی دیگر از اعضای شورایی محله نسبت به خارج نشدن محدوده بازار از محل سکونت مردم و محله هرندی انتقاد خود را این چنین عنوان می‌کند: «متأسفانه در خیابان «ری» و «مولوی» در محدوده پارچه فروش ها مشخص است که پاساژهای ساخته شده، حتی برای موتور سیکلت ها هم پارکینگ ندارند. با محدوده «بلور فروش ها» در میدان «شوش» نیز همین موضوع در دسر ساز شده است. در ادامه یکی از معضلات این است که مغازه ها در بازار اغلب کوچک است و فضای کافی برای انباری ندارند و در این میان گزینه مناسب برای انبار اجباری منازل مسکونی اطراف و نزدیکی هستند که به راحتی تبدیل به انبار یا کارگاه های زیر زمینی برای تولید کفش، کیف و مانتو می‌شوند؛ انبار هم معضلات خاص خودش را دارد، در تردد خودروی وانت بار یا حتی چرخشی

تحميل همزیستی با معتمدان در این محل از یک طرف، قرار گرفتن بازار و مغازه های متعدد در بافت مسکونی محله، از سوی دیگر در دسر های خاص خودش را دارد. تمام مغازه ها یا پاساژهای مجاور، خانه های مسکونی را برای انبار اجاره کرده اند و املاکی ها هم برای اجاره رفتن مردم های انباری یا همان خانه های فرسوده، گاهی مسبقاً را از یکدیگر گرفته اند. تمام املاکی ها آگاهی های مربوط به اجاره انباری های ۱۰ یا ۲۰ متری را روی نشیبه چسبیده اند. خانه ای با کفش های وارداتی چینی پُر می‌شود و خانه دیگری با توپ هایی از پارچه های داخلی یا خارجی، نبود پارکینگ برای مغازه داران و مهم تر از آن برای مردمی که از مناطق مختلف برای خرید به محدوده شوش یا مولوی می‌آیند از طرفی مشکلاتی را ایجاد کرده است.

وعده دروغین نوسازی بافت های فرسوده

خارج شود باید مشوق هایی در نظر گرفته شده و بخش خصوصی وارد کار شود، اما واقعیت این است که بخش خصوصی هم به منافع و سود خودش فکر می‌کند و در نهایت جایی هزینه نمی‌کند که بازدهی نداشته باشد؛ خانه های نوساز این محله متری یک میلیون و ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون و ۴۰۰ خرید و فروش می‌شود و قیمت خانه های نوساز در نهایت یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان است.

اگر مشوق و امتیازی وجود داشته باشد، بخش خصوصی هم وارد کار شده و با نوسازی خانه های فرسوده و خرابه، بسیاری از مجرد ها، معتمدان و ارادل و اوایش محل را ترک می‌کنند که البته مشخص نیست مسیر بعدی آنها کدام منطقه باشد.»

«محمد احمدی» شوراییار محله «هرندی» در ارتباط با معضل فرسوده بودن ۹۰ درصد از خانه و ساختمان های محله می‌گوید: «اگر معضلات مربوط به بافت فرسوده در این محل تا حدی برطرف شود، امنیت و آرامش برقرار می‌شود. سالهای زیادی است که تک تک مردم اعضای شورایی و دلسوزان محل منتظر هستند تا شاید قول و قرار های مسوولان برای حل مشکل بافت فرسوده به نتیجه برسد اما هر بار با وجود پیگیری های رسانه و مطبوعات، تمام اقدامات به حرکت گرفتن عکس و فیلم ختم شده و حرکت جدی صورت نمی‌گیرد؛ متأسفانه در حالی حاضر هیچ سرمایه گذاری تشویق نمی‌شود تا در این ارتباط قدم بردارد و اقدام در این زمینه برای اهالی این محدوده که مشکلات و گره های مالی



مشکلات سه محله یاد شده نسبتاً به هم شباهت دارد و همه از معضلات مشابهی رنج می‌برند، مردم از بازدید های دوره ای و تبلیغات خسته شده اند و نمی‌خواهند محله شان، شوش از زامشگاهی یا مانور تبلیغاتی مسوولان باشند، آنها اقدام عاجل می‌خواهند، اقدام دلسوزانه و الا ن که شهردار جدید تهران فعالیت خود را شروع کرده و در ابتدای کار از محلات محروم منطقه ۱۲، بازدید کرده، بهترین بهانه است تا با مشاوره اعضای شورای شهر، شورا یا ران، آسیب شناسان اجتماعی و حتی اقتصاد دانان، برای تک تک مشکلات دیرینه و قدیمی این محلات که قلب پایتخت محسوب می‌شوند اقدام کند.

نتیجه بخش نبودن طرح های ضربتی!

شهرداری و نیروی انتظامی ایجاد کرده است. طرح انضباط اجتماعی نیز به این دلیل اصولی نبودن اقدامات همیشگی به نتیجه مانده و محلاتی که به صورت موفق، از آسیب های اجتماعی پاک شده اند، بعد از مدتی با آسیب های شدید تری روبه رو شده اند.

حالا که اعضای شورای شهر جدید پایتخت، هر کدام تحت عنوان نمایندگان مردم، فعالیت خود را در هر یک از کمیسیون ها شروع کرده اند، مشکلات فراوان اهالی این منطقه از تهران را مد نظر قرار دهند و فراموش نکنند که وعده های قبیل از انتخابات شورای شهر شان چو بود و چو قول رها می‌داند.

شاه همان طور که زیر بار سنگینی تاج کیانی روی تخت نشسته بود، با لحنی دستوری گفت بیگربیگی به همه مملکت سوار بفرستید تا جاز بزنند از این لحظه از سواحل ارس تا جیحون و از شام تا ماوراءالنهر زیر نگیں شاهی سلسله جلیله قاجار به هستند و به یمن ساعت سعد بر تخت نشستند مادر این باغ گلستان شاهی، طهران به لقب دارالخلافه ممالک محروسه ملقب می‌شود. حکم ملوکانه ما بر این است به نام پایتخت و سلسله تازه نسک‌ضرب شود. به گزارش شروشنوست و بیه نقل از «تاریخ ایرانی» به ۲۳۰ سال پیش در یکی از روزهای فروردین ۱۱۶۵ شمسی سیج کدام از کسانی که در مجلس تاجگذاری قاجارمخدان قاجار و بنیانگذاری رسمی سلسله قاجار به در کاخ گلستان بودند، نمی‌دانستند چه در فکر شاه تازه به تخت نشست می‌گردد که شهر که در آنجا بود بزرگ و معروف تهران را به عنوان دارالخلافه پایتخت خود انتخاب کرده‌است. شهری که نه قدمت اصفهان را داشت و نه اصال شیراز، نه قداست مشهد و نه شهرت تبریز، شهری معمولی و تقریباً در شمال ایران که تنها مزیتش نزدیکی اش به مقر ایل قاجار در گسرگان بوده‌اما به نظر می‌رسید که قاجارمخدان نکته مهمی را در ناصیه این شهر دیده بود که به جای همه این شهرهای مهم آن را به عنوان پایتخت انتخاب کرد. انتخابی که باعث شد سرنوشته تاریخ معاصر ایران با تهران آغاز بخورد. اما پاسخ به این سؤال که چرا تهران بهترین گزینه قاجارمخدان برای پایتختی بود را باید در دل تاریخ این شهر جستجو کرد. تاریخی که بخشی از آن در لایه‌های پنهان خاک این شهر هم مردمانش دفن شده‌است.

گزینه خان قاجار

قاجارمخدان همان شبی که خان زند آخرین نفسش را کشید شبانه از شیراز به گرختی و به گرگان رفت؛ جایی که ایل قاجار به در آن قرار داشت. او بعد از همراهی ایلش به سودای فتح ایران حرکت کرد و بعد از گرفتن شمال ایران در تهران مستقر شد. حضوری که سسکه طهران را به عنوان پایتخت رونق بخشید. قاجارمخدان در فروردین ۱۱۶۵ تصمیم به تاجگذاری گرفت. از آنجا که قشونش در تهران مستقر بودند در کاخ گلستان که از یادگان دوران صفویه بود تاج بر سر گذاشت و همزمان با خواندن خطبه پادشاهی خطبه پایتختی طهران را نیز جاری کرد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند استقرار او در تهران به خاطر نزدیکی اش به گرگان مرکز ایل قاجار به بود؛ دلیلی که برای تصمیم قاجارمخدان برای پایتختی تهران کافی به نظر نمی‌رسد. بر خلاف همه انتقادهایی که به پایتختی تهران می‌شود، سابقه ۲۳۰ ساله پایتختی این شهر نشان داده‌است که بهترین گزینه در شرایط استراتژیک سیاسی و نظامی در دوران معاصر بسود. قاجارمخدان از تجربه تاریخی سلسله‌های قبلی به این نتیجه رسید که تهران دقیق‌ترین جابرا برای پایتختی سسرزمینی است که او فکر کرده بود کشورش را در میانه آن بسازد. این شهر در مرکز کشور و رو به شمال قرار داشت. از این نظر از تبریز و مشهد که در مرزهای غربی و شرقی قرار داشتند و همین امر آن دو شهر را آسیب‌پذیر کرده بود، برتری داشت. برتری که باعث شد قاجارمخدان به جای گرگان این شهر را انتخاب کند؛ اما این شهر به اندازه اصفهان یا شیراز پایتخت صفوی و زندیه به در مرکز ایران نبود تا دسترسی به مرزهای شمالی را محدود کند. چند حمله گسترده سه قرن پیش از قاجار به از شمال غربی و شمال شرقی به داخل ایران شده بود. در این حمله‌ها حاکمیت مرکزی از دفاع جامانده بود و ایران تسلیم شده بود. مرز شمال غربی با توجه به رقابت شدید ایران شیعی با عثمانی سنی مذهب در خطر بیشتری بود و تبریز و قزوین پایتخت‌های قابل اطمینانی

نبودند. در زمان تشکیل سلسله قاجار به خطر بالقوه دیگری از سمت شمال ایران به وجود آمد که آن هم روسیه بود که هر لحظه ممکن بود با تحریک ایالت‌های شمالی مثل آذربایجان و گرجستان از وضعیت آشفته داخل ایران سواستفاده کرده و خود را به روسیه متصل کنند و همین باعث می‌شد تا قاجارمخدان به این نتیجه برسد پایتخت را در جایی قرار دهد که نزدیک به مرز شمالی باشد اما با حصار طبیعی یعنی کوه‌های البرز دسترسی به آن کم شود.

در کنار این هانزردیکی تهران به ری هم در پایتختی این شهر تاثیر داشت. ری در طول تاریخ تهران و در زمان سلسله آل بویه به عنوان پایتخت قرار گرفت. آل بویه توانستند از ری تا بغداد پیش بروند و حاکمیت خود را گسترش دهند. در کنار این هاب و هوای چهار فصل این شهر و خاک حاصلخیز آن که باغ‌های سرسبز این شهر را رمتمايز از سایر شهرها می‌گرد دلیل دیگری بود که تهران را برای پایتختی مناسب کند. اتفاقاتی که در سال‌های بعد از قاجارمخدان رخ داد نشان داد که او در انتخاب تهران به پایتختی اشتباه نکرده بود.

حاشیه نشین ری برین

زمانی که قاجارمخدان تهران را برای پایتختی انتخاب کرد در تاریخچه این شهر حدود ۳۰۰ سال سابقه شهری ثبت شده بود؛ فضایی که تا چندین سال پیش به بیشتر مورخان به آن استناد می‌کردند. مورخان که قدیمی‌ترین استناد تاریخی به نام تهران را به ابوحماد تهرانی عالم دینی می‌رسانند که در قرن دوم هجری زندگی می‌کرد و نامش در کتاب‌های تذکره نویسان آمده بود و زاده روستای تهران بود؛ اما تاریخ واقعی تهران فراتر از این بود. تا سال ۱۲۹۲ به استناد کاوش‌های باستان‌شناسی دکتر ملک شهیمرزادی در تپه‌های قیصریه، این منطقه ۵ هزار سال سابقه سکونت داشت. البته این کاوش‌های باستان شناسی هیچ ویت منتشر نشد تا سال ۹۲ که در حین حفاری در منطقه مولوی به اسکلت زنی بر خوردند که بعد از مطالعات مشخص شد متعلق به ۷ هزار سال پیش بوده‌است. از سوسی دیگر تهران در همسایگی شهری قرار داد. بر اساس منابع تاریخی و باستان‌شناسی ری با راگای یکی از چهار شهر مهم ایران در دوره باستان بود که گفته می‌شد هوشنگ آن را ساخته و نامش در اوستا و کتیبه بیستون به عنوان یکی از مهم‌ترین ایالت‌های ایران برده شده‌است. در دوران باستان ری دارای دو بخش مهم ری بالادست یا ری برین و ری پایین‌دست و ری زیرین بوده‌است. روستای کوچک تهران شش کیلومتری ری برین در بخش شمالی قرار داشت.

بالذری در «فتوح البلدان»، ابن خردادیه از «المسالک و الممالک»، ابن حوقل در «صوروب‌الارض» از قدیمی‌ترین نویسندگانی هستند که از طهران ری یاد می‌کنند. بلغمی متعلق به خاندان مهبران و در اختیار یکی از افراد این خاندان بود که سسراد سپاه قیاد ساسانی بود. منطقه‌ای که دکتتر حسین کریمان در «تاریخ تهران» آن را در حدود سسراره ضرابخانه در خیابان شریعتی جاناتمی می‌کند. محلی که حالا تقاطع خیابان پاسداران و بزرگراه همت تا حدود حسینی‌راه شاد است.

اصطخری هم در «المسالک و الممالک» از روستایی به اسم بهران و قصران یاد می‌کند که علامه قزوینی آن را همین تهران امروزی می‌داند. یاقوت مستعصمی در «معجم البلدان» هم از همین شهر عبور کرده و آن را شش کیلومتری شمال ری می‌داند. دخویه مستشرق شناخته شده معتقد است این بهزان همان طهران است که در طول تاریخ به خاطر شویوه ساخته شدن این شهر تبدیل

به تهران شده‌است. اما مهم‌ترین ردپای تهران در منابع قرن چهارم و پنجم در رسیدند که هر لحظه ممکن بود با تحریک ایالت‌های شمالی مثل آذربایجان و گرجستان از وضعیت آشفته داخل ایران سواستفاده کرده و خود را به روسیه متصل کنند و همین باعث می‌شد تا قاجارمخدان به این نتیجه برسد پایتخت را در جایی قرار دهد که نزدیک به مرز شمالی باشد اما با حصار طبیعی یعنی کوه‌های البرز دسترسی به آن کم شود. می‌شناسیم که همه مورخان جدید و قدیم معتقدند طهران عتیق در همان بخش ساخته شده‌است.

ابن بلخی در «فارسنامه» در قرن ششم هجری به طور صریح به تهران اشاره می‌کند و به نظر می‌رسد که از این شهر گذر کرده چرا که معتقد است انار یکی از دشیر خوره فارس مانند انارهای تهران نیکو است. «همه میوه‌ها بغایت نیکوست، خاصه انار، کی مانند انار طهرانی است.» روستای طهران آن که در حاشیه دشت حاصلخیز و چهار فصل تهران بود اما با روند کندی پیشرفت می‌کرد. آنچه رشد تهران را برای تبدیل شدن به شهر کند کرد، دلیلی بود که نامگذاری این شهر هم از آن ناشی بود. دشت تهران به خاطر موقعیتش در معرض حمله مداوم راهزنان بود. راهزنانی که به خانه مردم این روستا می‌ریختند و آن‌ها را غارت می‌کردند. همین باعث شده بود که مردم شهرشان

را در زیر زمین بسازند. شهر زیرزمینی یکی از مهم‌ترین معنی‌های واژه تهران با طهران است. این نکته‌ای است که اعتمادالسلطنه در «هرات البلدان» ذیل نام تهران نوشته‌است: «چون اهل آنجا (تهران) در وقتی که دشمن برای آن‌ها به هم می‌رسید در زیر زمین پنهان می‌شدند، از این جهت به این اسم موسوم شده‌اند که به تهران یعنی زیر زمین می‌رفتند.»

طهران شاه تهماسبی

دویست سال قبل از اینکه شاه تهماسب به تهران ری برسد و حصار مشهور تهران را به دور آن بکشد، غازانخان در راه شمال چند هفته‌ای در تهران اتراق کرد. بر اساس نوشته خواجه رشیدالدین فضل‌الله در «جامع التواریخ» خان مغول به جای رفتن به ری از ترجیح داد در تهران اقامت بگیرد. در سال ۸۰۶ قمری همزمان با سلطنت تیمور، کلانخوایح مشهور سر راه رسیدن به هرات از تهران گذشت.

با به قدرت رسیدن صفویه اهمیت تهران بیشتر از قبل شد. جنگ سخت با عیبدالله‌خان ازبک در خراسان باعث شد تا شاه تهماسب در مسیر پایتخت خود قزوین به خراسان، در تهران چنان روزی بماند و نفس سپاسش را تازه کند و به زیارت هزارسید حمزه جد بزرگش که در ری دفن بود، برود. در همین اقامت چند هفته‌ای شاه تهماسب به این نتیجه رسید که این شهر فرصت خوبی برای پیشرفت و گسترش دارد؛ فرصتی که راهزنان گرفته بودند. پس او به فکر راهی برای کمک به مردم این شهر افتاد. در کتاب «ستان السیاحه» آمده شاه تهماسب در سال ۹۶۱ قمری به معماران مشهور قزوین و تهران دستنود داد تا علاوه بر ساختن یک بازار حصار بی به دور تهران بکشند و برج و باروی برای آن به وجود آورند. در این حصار به مسافت یک فرسخ یک برج و بارو ساخته شده بود.

این باروها در نهایت به ۱۱۴ که عدد آیات قرآن هستند می‌رسید. این حصار چهار دروازه داشت که دانستن نام آن‌ها حدود تهران صفوی را روشن می‌کند: دروازه عبدالعظیم (خیابان مولوی)، دروازه شمیران، دروازه قزوین و دروازه دولاب. محدوده درون حصار حدود ۴ کیلومتر مربع بسوده و درازی بسیاری دور آن در کتاب‌های معتبر حدود ۶ هزار گام نگاشته شده‌است و فضای بیرون از حصار شامل باغ‌ها و کشتزارهای پهناوری بود که امروزه همگی به محدوده‌های شهری تهران تبدیل شدند.

نخستین بناهایی که ساخته شد حمام و تکیه و مدرسه خانم بود که سه به دستور مهین بانو خواهر شاه تهماسب ساخته شد. مدرسه خانم در حمله افغانه ویران شد اما حاکم خانم در تهران امروزی در بازارچه نایب‌السلطنه در خیابان ری قرار دارد. اما مهم‌ترین اتفاقی که در دوران شاه تهماسب بعد از کشیدن حصار رخ داد ساختن بازار این شهر در منطقه‌ای بود که پیش از این روستای تهران در آن قرار داشت. بازاری که هنوز هم بعد از چهارصد سال همچنان قلب تپنده اقتصاد سنتی ایران است.

از مرگ شاه تهماسب تا به قدرت رسیدن شاه عباس تنها اتفاق مهم تاریخ تهران قتل سلطان حسن میرزا پسر سلطان محمد خدابنده و برادر شاه‌عباس بود. به نوشته کتاب‌های تاریخی این شاهزاده صفوی علیه سلطنت شورش کرده و در تهران پناه گرفته بود. شاه اسماعیل دوم که نمی‌توانست به صورت رسمی او را دستگیر و اعدام کند کسانی را اجیر کرد تا او را بکشند.

بر خلاف شاه تهماسب، شاه‌عباس دل خوشی از تهران نداشت. او سسر راه اصفهان به مشهد برای عقب راندن عبدالمومن ازبک که با همراهی خوانین ماوراءالنهر، خراسان و مشهد را محاصره کرده بود در تهران اقامت کرد. در راه برگشت بیماری سختی به سراغ شاه‌عباس آمد. بیماری که باعث شد وقتی از دروازه تهران خارج می‌شد

این شهر را با ساکنانش نفرین کند. نفرین عجیبی که هر کسی که از خارج این شهر وارد شود و شب در آن بیوتوه کند دچار این خاک شود و از آن رهایی پیدا نکند.

نفرت شاه عباس و رضایت کریم خان

شاه‌عباس خیلی زود با تهران و تهرانیان آشتی کرد اما اثرات نفرینش تا روزگار بعدی ماند. با این همه تهران رو می‌شود در آن را پیدا کرد. پیترودلاویسه ایتالیایی که در سال ۱۰۳۸ قمری به همراه شاه‌عباس اول از تهران به سمت مازندران می‌رفت در وصف این شهر نوشت: «یک نلث از زمین‌های داخل حصار بیوتوات و دو نلث دیگر باغات‌است» و آن را در نهایت چنارستان نامید. البته این سفرنامه‌اش نوشت: «تهران شهری متوسط است که هیچ چیزی قابل ملاحظه‌ای ندارد.» از این دوره تا زمان حمله محمود افغان تهران روزهای پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشت. در همین دوره بود که شاه سلطان حسین برای دیدار با دربی افندی سفیر عثمانی او را به قصری احضار کرد که شاه سلیمان ساخته شده بود و لرد کرنز معتقد است از چهارباغ و تالار سلام اصفهان بزرگتر بود و در آن به روایتی ۴۰۰ نفر جای می‌گرفتند.

تهران در زمان حمله افغانه به دست آن افاقا تا زمانی که نادر شاه افشار با جنگی نه چندان سخت این شهر را از دست آن گرفت. بعد از نجات شهر از دست آن‌ها شاه تهماسب سوم را با شش هزار نفر نگهبان در تهران گذاشت و به سمت افغان رفت.

شاه افشار از آنجا که با جامعه یهودی نزدیکی داشت، تصمیم گرفت تا آن‌ها را در جایی گرمه بسپارد. او از خاخام‌های یهودی خواست تا زور باور او را به فارسی ترجمه کنند. اتفاقی که در سال ۱۱۵۸ قمری در تهران اتفاق افتاد. نادر همچنین محله یهودی تهران را بیرون از حصار شهر یعنی در منتهی‌الیه شمال شرقی به وجود آورد؛ محله‌ای که البته هنوز بخشی از منطقه ۱۲ تهران یعنی «عودالجان» است.

نادرشاه همچنین در تهران انجمنی متشکل از علمای مذاهب و فرق اسلامی تشکیل داد. در همین شهر بود که نتشاه‌های جنون او مشخص شد و باید گمانی به رضاقلی میرزا پسرش، او را در این شهر کور کرد تا تصویر چنارستان آخرین چیزی باشد که ولیعهد معزول نادر به چشمش دیده‌است. کریم‌خان زند که با سلسله زند به جانشین نادرشاه شد، در تهران با محمدحسن خان قاجار روبه‌رو و وارد تهران شد. تهران در زمان ورود کریم‌خان شهری مصیبت‌زده و گرفتار قحطی بود. این قحطی و خشکسالی هر چند راه جمع کردن سرباز را ساده کرده بود اما نگهداری آن‌ها دشوار می‌کرد. تهران هنوز شهری بزرگ نبود و حدودش هنوز همان حصار شاه تهماسبی بود؛ اما این شهر با وجود وسعت یک و یک و یوژگی منحصربه‌فرد داشت که باعث شد تا کریم‌خان زند برای آبادانی این شهر آستین بالا بزند. تهران در مسیر تجاری قرار داشت و بازار گانسان زیادی برای رفتن به نقاط مختلف از این شهر گذر می‌کردند. وکیل‌الرعیایا از این بازارگان کمک خواست تا پول مورد نیاز سپاهش را به او قرض دهند. او بعد از این تصمیم گرفت تا به وضعیت تهران برسد؛ پس دست به ساخت ساختمان‌های تازه‌ای در تهران زد. در همین زمان بود که وکیل‌الرعیایا در اقامتی چند ماهه در شمیران برای فرار از ویای فراگیر تصمیم گرفت پایتخت را تابستان‌ها به این منطقه منتقل کند؛ اما اتفاق‌های بی در بی باعث شد تا تهران و شمیران در دوران جانشین سلسله آن‌ها یعنی قاجارمخدان قاجار پایتخت ایران شود.

چرا تهران پایتخت شد؟



با تخفیف ۵۰٪

همین حالا مشترک شوید!



eshterak.ir

طرح اشتراک نشریات



مدیر هنری: گلنوش مریخی
مدیر تحریریه: سمیه جاهد عطایان
چاپ: سلام
توزیع: صمت

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیمین سالاری اسکر
سرمدیر: عابدین سالاری اسکر
مدیر اجرایی: عیدا... سالاری

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

جشنواره دوجین بانک سرمایه؛ ۷۲ برنده خوش شانس در هر ماه

بانک سرمایه در نظر دارد در ماه‌های منتهی به دوازدهمین سالگرد تأسیس خود تا دی ماه سال جاری، جشنواره «دوجین» را با قرعه‌کشی‌ها و جوایز متعدد برگزار کند. قرعه‌کشی این جشنواره به صورت ماهانه بوده و از مهرماه سال جاری آغاز و تا دی ماه ادامه خواهد داشت. شایان ذکر است قرعه‌کشی در دوازدهم هرماه در شش موضوع به شرح ذیل برگزار خواهد شد:

۱. تمامی هم‌وطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه (کارت‌های هدیه صادرشده در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه‌کشی)
۲. تراکش مشتریان بانک سرمایه در سیستم بانکداری الکترونیک این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه‌کشی)
۳. خرید و فروش سهام توسط مشتریان بانک سرمایه در شعب ارائه‌دهنده خدمات کارگزاری بازار سرمایه این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه‌کشی)
۴. افتتاح حساب مشتریان بانک سرمایه (در بازه زمانی

دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه‌کشی)

۵. تمامی هم‌وطنانی که از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه‌کشی ازدواج کرده‌اند (بدون محدودیت سال)
۶. تمامی هم‌وطنانی که تاریخ تولد آنها از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه‌کشی باشد (بدون محدودیت سال)

شایان ذکر است هر یک از موضوعات قرعه‌کشی ۱۲ برنده خواهد داشت که در هرماه مجموعاً ۷۲ نفر، برنده خوش شانس این قرعه‌کشی خواهند بود. گفتمی است به هر یک از برندگان قرعه‌کشی یک قطعه کارت هدیه ۵ میلیون ریالی اهدا خواهد شد.

لازم به ذکر است هم‌وطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه برای شرکت در قرعه‌کشی می‌بایست در صفحه مربوطه در وبسایت این بانک نسبت به ثبت مشخصات خود (نام، نام خانوادگی، نام شهر، شماره ملی و شماره موبایل) اقدام نمایند و در صورت برنده‌شدن در قرعه‌کشی، برای دریافت جایزه خود به همراه اصل کارت هدیه برنده‌شده به شعبه مربوطه

مراجعه نمایند.

همچنین هم‌وطنان علاقه‌مند به شرکت در بندهای ۵ و ۶ قرعه‌کشی (ازدواج و تولد) می‌توانند با مراجعه به کانال اینستاگرامی بانک به نشانی www.instagram.com/banksarmaye اطلاعات مربوط به تاریخ عقد و یا تاریخ تولد خود را به همراه سایر اطلاعات درخواستی بازگردانی نمایند.

همچنین برای حضور در بندهای ۲، ۳ و ۴ قرعه‌کشی نیازی به ثبت نام در سامانه نبوده و اطلاعات مورد نیاز مشتریان به صورت خودکار از واحدهای مربوطه جهت قرعه‌کشی دریافت خواهد شد.

شایان ذکر است قرعه‌کشی‌ها به تناوب در دوازدهم هرماه برگزار شده و تاریخ نخستین مرحله قرعه‌کشی ۱۲ مهرماه سال جاری خواهد بود و هم‌وطنان و مشتریان برای شرکت در نخستین مرحله قرعه‌کشی می‌توانند از ۱۲ شهریور نسبت به ثبت اطلاعات خود در سامانه‌های مربوطه اقدام نمایند. لازم به ذکر است اسامی برندگان از طریق وبسایت بانک سرمایه به اطلاع عموم مشتریان ارجمند خواهد رسید.

دارندگان کارت‌های هدیه

خرید و فروش سهام در شعب ارائه دهنده خدمات کارگزاری

تراکش در بانکداری الکترونیک

افتتاح حساب

ازدواج تولد

کسب اطلاعات بیشتر

sarmayebank @sarmayebank

www.sbank.ir ۴۳۷۳